

بررسی نقش سرمایه اجتماعی  
در بهبود محیط کسب و کار ایران  
(با تأکید بر نقش قوه مقننه)

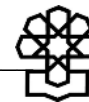
معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۴۰۳۷  
آذرماه ۱۳۹۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	۱. تأثیر سرمایه اجتماعی بر محیط کسب و کار
۸.....	۲. وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران
۸.....	۱-۲. اعتماد
۱۹.....	۲-۲. روابط اجتماعی
۲۲.....	۳-۲. رفتارهای نوع دوستانه
۲۴.....	۴-۲. مشارکت
۲۹.....	۵-۲. ارزیابی از وضعیت سرمایه اجتماعی و محیط کسب و کار در ایران
۳۲.....	۳. تأثیر نهادهای حکومتی بر وضعیت سرمایه اجتماعی
۳۴.....	نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۴۳.....	منابع و مأخذ



## بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب و کار ایران (با تأکید بر نقش قوه مقننه)

### چکیده

مسئله اهمیت سرمایه اجتماعی و ضرورت مناسب بودن محیط کسب و کار برای عملکرد متعادل اقتصادی، دو موضوعی هستند که در طول نزدیک به دو دهه اخیر، مورد توجه قانونگذاران و سیاستگذاران کشورهای توسعه یافته بوده است. این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر محیط کسب و کار تأثیر مستقیم دارند. از این نظر، می‌توان به بهبود محیط کسب و کار از طریق ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی اقدام کرد. ثانیاً هم براساس برخی داده‌ها شاخص‌های سرمایه اجتماعی و هم محیط کسب و کار در ایران در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی و همچنین ارزیابی‌های داخلی در جایگاه مناسبی قرار ندارد.

پژوهش حاضر با تحلیل نقش مهم دولت در کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی، این ضرورت را مورد تأکید قرار می‌دهد که نهادهای دولتی در ایران باید سیاست‌ها و رویکردهای نوینی را برای تقویت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و در نتیجه، بهبود محیط کسب و کار طرح و اجرا کنند. یکی از مهمترین نهادهایی که می‌تواند به روند تقویت سرمایه اجتماعی در کشور کمک کند، مجلس شورای اسلامی است. قوه مقننه می‌تواند با تدوین و تصویب قوانین لازم برای ارتقای سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه مبادله و رونق بخشی به محیط کسب و کار داشته باشد. در مهمترین بخش پژوهش، به دو دسته مرتبط با هم از پیشنهادها اشاره می‌شود: نخست، در قسمت پیشنهادها به قوه مقننه، بیشتر به رویکردها و نگرش‌هایی پرداخته شده که قانونگذار را قادر می‌سازد تا در مسیر تقویت سرمایه اجتماعی گام بردارد؛ دوم، در قسمت پیشنهادهای تقنینی، به موادی اشاره شده است که می‌تواند با اصلاح و بازنگری در قوانین موجود، به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه منجر شود.

## مقدمه

پیشرفت‌های اخیر در مطالعات توسعه، منجر به طراحی سیاست‌های دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر در کشورهای در حال توسعه شده است. اگر در گذشته، تلاش برای کسب سرمایه فیزیکی، تلاشی برای رونق‌بخشی به اقتصاد تصور می‌شد، شکست‌های این شیوه نگرش، باعث تحلیل دقیق‌تر از موانع رشد و توسعه در کشورهای شد که از نظر نهاده‌هایی چون منابع فیزیکی و منابع طبیعی با وفور روبرو بودند. از میانه‌های دهه ۱۹۸۰، مطالعات اقتصادسنجی که به همین منظور سامان می‌یافت، حاکی از آن بود که متغیرهای مزبور، به تنهایی قادر به تبیین علل عملکرد اقتصادی متفاوت کشورها نیستند. در گام بعد، متغیرهای دیگری همچون نرخ سواد، سطح تحصیلات و مهارت نیروی کار که به‌عنوان مصادیق یا متغیرهای سرمایه انسانی شناخته می‌شدند، به مطالعات افزوده شدند. پس از تحلیل نتایج یک دهه تأکید بر سرمایه انسانی، این نتیجه به‌دست آمد که به‌رغم اهمیت زیاد سرمایه انسانی برای رونق‌بخشی به اقتصاد کشورها، فقدان نوع دیگری از سرمایه باعث می‌شود تا سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی نتوانند مبدل به عواملی برای رونق بخشیدن به کسب‌وکارها شوند. از آخرین دهه قرن گذشته، اقتصاددانان با وارد نمودن متغیرهای سرمایه اجتماعی به مدل‌هایی که برای مطالعه میزان تأثیر عوامل مختلف بر رشد اقتصادی کشورها طراحی می‌کردند، گام مهم دیگری برداشتند. تجربیات گذشته نشان می‌داد که برای تقویت رشد و توسعه اقتصادی در کشورها، باید به واحدهای تولیدی (بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ اقتصادی) توجه بیشتری کرد. کسب‌وکارها نیز خود متأثر از متغیرهای تکنولوژیکی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، حقوقی، طبیعی و جهانی هستند. برای فهم چگونگی رونق گرفتن کسب‌وکارها (و در نتیجه، رشد و توسعه اقتصادی) باید به محیط کسب‌وکارها توجه کرد. محیط کسب‌وکارها نیز اشاره به عوامل متعددی دارد که خارج از اراده و توان صاحبان کسب‌وکارها، بر کسب‌وکار آنها تأثیر می‌گذارد (Jain, Trehan and Trehan, 2010: 21). در بطن تغییر چشم‌انداز اقتصاددانان بود که این ایده پذیرفته شد که تحلیل از وضعیت اقتصادی کشورها بدون تحلیل از وضعیت سرمایه اجتماعی آنها و سایر عوامل محیطی ممکن نیست. بدین معنا، تنها با بهبود در چنین متغیرهای محیطی است که می‌توان انتظار رونق اقتصادی داشت. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین متغیرهای اجتماعی بهبود محیط کسب‌وکار، به ساده‌ترین معنا عبارت است از مجموعه شاخص‌هایی که درباره سه مؤلفه اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها طرح می‌شوند (Putnam, 1993, 2000). به‌عبارت دیگر، الزامات اخلاقی و هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه اعتماد) و شبکه‌های اجتماعی (به‌ویژه انجمن‌های داوطلبانه) سه جزء اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند.



بن‌مایه اصلی اندیشه رابرت دی. پاتنام،<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلی سرمایه اجتماعی، این است که اگر منطقه‌ای دارای نظام اقتصادی کارآیی باشد و از سطح بالایی از یکپارچگی سیاسی نیز برخوردار باشد، باید آنها را نتیجه انباشت موفقیت‌آمیز سرمایه اجتماعی در آن منطقه دانست (عطاری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). از نظر وی، سرمایه اجتماعی پایه لازم را برای دستیابی یک جامعه به توسعه سیاسی و اقتصادی پایدار فراهم می‌آورد؛ چنان‌که تأکید می‌کند «هرجا اعتماد و شبکه‌های اجتماعی شکوفا شوند، افراد، شرکت‌ها، محله‌ها و حتی ملت‌ها پیشرفت می‌کنند» (Putnam, 2000: 20) طبق نظر او، یافته‌های تاریخی نشان می‌دهند که رفاه اقتصادی اجتماعات، ریشه در مدنیت آنان دارد، نه چیز دیگر. او سپس نتیجه‌گیری می‌کند «سرمایه اجتماعی شامل هنجارها و شبکه‌هایی از همکاری‌های مدنی است که به‌نظر می‌رسد پیش‌شرطی برای توسعه اقتصادی و سیاسی باشد همان‌طور که پیش‌شرطی برای حکومت کارآمد است» (Putnam, 2000: 37) با این اندیشه‌ها بود که مفهوم سرمایه اجتماعی، برای مطالعات رشد اقتصادی و پس از آن، برای بهبود کسب‌وکارها مهم تلقی شد. توجه سیاست‌گذاران کشور به این مفهوم در برنامه‌های توسعه‌ای باعث شد تا در ماده (۱۵۵) برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه و در بند «۲» سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، بر اهمیت برخورداری از سرمایه اجتماعی فزاینده و کسب سهم برتر از این سرمایه، تأکید شود. با اینکه در اسناد بالادستی کشور، به سرمایه اجتماعی توجه شده است، اما عملیاتی کردن و اتخاذ دستورالعمل‌های دقیق برای اجرایی کردن این اسناد و در نتیجه ارتقای سرمایه اجتماعی، نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران در قوای سه‌گانه، است. سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها در معرض استهلاک است. از این‌رو، اگر در تدبیر امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به ترمیم و بازسازی آن توجه نشود، فرسایش می‌پذیرد (علی‌اکبری، خاندوزی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۳). یکی از شواهد اخیر فرسایش و افول سرمایه اجتماعی - که به‌طور خاص در نسبت میان حکومت و شهروندان نمونه‌ای واجد اهمیت است - عدم انصراف بسیاری از شهروندان از دریافت یارانه نقدی، به‌رغم توصیه‌ها و درخواست‌های اکید دولت و به‌طور کلی، حکومت بود.<sup>۲</sup>

در میان نهادهای دولتی، نقش قوه قانونگذار در ایجاد بسترهای قانونی و نهادی لازم برای ارتقای سرمایه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. قوانین و مقررات جاری، اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و... و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آنها، از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب‌وکار در هر کشور محسوب می‌شوند. بدین معنا، کیفیت مقررات تصویب شده توسط قوه مقننه و جهت‌گیری‌های این مقررات و قوانین تأثیرگذار بر آن، مؤلفه‌هایی است (مثل سرمایه

#### 1. Robert D. Putnam

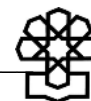
۲. براساس اعلام سخنگوی دولت، حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از دریافت یارانه انصراف دادند (به نقل از: خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) <http://isna.ir/fa>). بدین ترتیب، از ۷۱ میلیون نفر از ایرانیان داخل کشور، در این مرحله کمتر از ۷ میلیون نفر ثبت‌نام نکرده‌اند.

اجتماعی) که کیفیت محیط کسب‌وکار را در کشور مشخص می‌کنند. قوه مقننه می‌تواند با درک جایگاه خود، با تدوین و تصویب قوانین لازم برای ارتقای سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در رونق بخشی به محیط کسب‌وکار داشته باشد.

در این پژوهش، ابتدا ارتباط سرمایه اجتماعی با محیط کسب‌وکار به شکلی مختصر مورد بحث قرار گرفته و این استدلال مطرح می‌شود که میان وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و وضعیت محیط کسب‌وکار، همبستگی مثبت وجود دارد. سپس به بررسی وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران خواهیم پرداخت. در انتهای این بخش و در مقام جمع‌بندی، با توجه به وضعیت شاخص‌های محیط کسب‌وکار، نشان خواهیم داد که نتیجه بحث نظری در مورد همبستگی مثبت سرمایه اجتماعی و محیط کسب‌وکار، در مورد ایران نیز صادق است؛ به گونه‌ای که هر دو متغیر سرمایه اجتماعی و محیط کسب‌وکار با وضعیت نامطلوبی مواجه‌اند. در بخش بعد، به این سؤال پاسخ خواهیم داد که نهادهای دولتی چگونه می‌توانند به تقویت سرمایه اجتماعی کمک کنند و در نهایت، با طرح پیشنهادهای تقنینی، این استدلال مورد بررسی قرار می‌گیرد که قوه مقننه با تصویب قوانین خاصی با محوریت تقویت اعتمادی نهادی، تسهیل ارتباطات میان شهروندان در حوزه‌های مختلف و تقویت هنجارهای اخلاقی، می‌تواند در بهبود محیط کسب‌وکار نقش مهمی داشته باشد. این پژوهش می‌کوشد با استفاده از روش پژوهش کیفی (توصیفی - تحلیلی) و به صورت مطالعات اسنادی و با ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از منابع موجود کتابخانه‌ای، به بخشی از اقداماتی اشاره کند که نهاد قانونگذار در کشور می‌تواند با طرح‌ریزی و اجرای آن اقدامات، به تقویت سرمایه اجتماعی در کشور کمک کند. بخش پیشنهادها، متشکل از دو قسمت پیشنهادهایی برای قوه مقننه (رویکردها و جهت‌گیری‌ها) و پیشنهادهای تقنینی است. در دستور کار قرار گرفتن این پیشنهادها، می‌تواند مقدمات اقدامات تقنینی قوه مقننه برای تقویت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و به تبع آن، بهبود محیط کسب‌وکار را فراهم کند.

### ۱. تأثیر سرمایه اجتماعی بر محیط کسب‌وکار

محیط اقتصادی متأثر از پیوندها و روابطی است که در محیط اجتماعی وجود دارند. اگر در گذشته، به دلیل پیوندهای سنتی و چهره به چهره افراد، کسب‌وکارهای کوچک دوران پرونقی داشتند، در شرایط کنونی و به دلیل تضعیف این پیوندهای خرد، محیط اقتصادی تحولات گسترده‌ای را تجربه می‌کند. در شرایطی که اقتصادها به سرعت در فرآیندی از جهانی شدن و محلی‌زدایی قرار گرفته‌اند، پیوندهای اجتماعی نیز در مفهوم استعاری و جغرافیایی کلمه، دچار تحول شده‌اند. در این محیط در حال تحول، فعالیت‌ها و مبادلات زیادی اتفاق می‌افتد که توضیح و دسته‌بندی آنها بسیار دشوار و روندهای کسب‌وکار نیز اغلب کمتر قابل پیش‌بینی هستند. این تحولات، باعث سست شدن قابلیت اجرایی



قراردادها شده است. با افزایش هزینه مبادلاتی به سطحی که باعث اخلاص جدی در مبادلات اقتصادی می‌شود، روندهای کسب‌وکار تا سطحی کند می‌شود که عملاً توزیع مناسب فرصت‌ها و ایجاد خلاقیت و نوآوری ناممکن می‌شود (Das and Teng, 2001: 261). در چنین محیطی، امکان رقابت اقتصادی و بهبود بهره‌وری تضعیف شده و رشد اقتصادی به شدت کاهش پیدا می‌کند.

برای مقابله با این پیامدها، دو رویکرد متفاوت مطرح شده است؛ رویکرد اول، ایده کنترل، نظارت و اجبار مستقیم بازیگران اقتصادی برای تضمین قابل اجرا بودن قراردادها و کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت، کنترل و تأثیرگذاری مستقیم بر محیط کسب‌وکار برای تضمین سرعت مناسب رشد اقتصادی، باعث تدوین و تصویب قوانین و اتخاذ سیاست‌های کنترلی توسط دولت‌ها شده است. با توجه به بزرگ شدن اقتصادهای ملی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته و افزایش تعداد بازیگران اقتصادی، رویکرد کنترل مستقیم و نظام برنامه‌ریزی مرکزی و دستوری از بالا، رویکردی به شدت هزینه‌زا و ناکارآمد بوده است. تجربه ناموفق چین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و گذار نخبگان چین از ایده کنترل مستقیم به ایده کنترل غیرمستقیم، نمونه‌ای از هزینه‌هایی است که این رویکرد برای اقتصاد کشورها ایجاد کرده است (Child and Mollering, 2003). در این چارچوب، تلاش شد تا ساختار اداری - مدیریتی کشورها به شکلی اصلاح شود که در آن، ضمن حفظ نسبی نظارت دولتی، قدرت و مسئولیت به شکلی بهتر و با تمرکز کمتر میان گروه‌ها و نهادهای مدنی تقسیم شود (خاندوزی، ۱۳۸۴: ۷۶). این دگرگونی باعث ظهور رویکرد دوم شد.

رویکرد دوم، بر ایده کنترل غیرمستقیم یا کنترل مدنی، اجبار اجتماعی برای تضمین قراردادها، تقویت سنت‌های اجتماعی مقوم کار و همکاری دسته‌جمعی، تقویت اخلاق نوآوری جمعی، تقویت ارزش‌های پشتیبان وفاداری و تعهد و در نهایت، کنترل و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر محیط کسب‌وکارها با هدف ایجاد بسترهای لازم برای تقویت کنشگری بازیگران خصوصی و تقویت شبکه‌های بهم پیوسته کسب‌وکار تأکید دارد (Nahapiet and Ghoshal, 1998). از دهه ۱۹۹۰ به بعد در چارچوب این ایده و به واسطه شکست‌هایی که در بازار آزاد اتفاق افتاده بود، بحث اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای اجتماعی بهبود محیط کسب‌وکار مطرح شد (Wolleb, 2008: 375). در اغلب این پژوهش‌ها، سرمایه اجتماعی متغیری مستقل است که پیامدهای وجود آن، توسعه، ثبات و پیشرفت، محسوب می‌شوند (Bisin and Guaitoli, 2002).

مهمترین کتابی که در دهه ۱۹۹۰، باعث جلب توجه به رویکرد دوم شد، کتاب «دمکراسی و سنت‌های مدنی» بود؛ رابرت دی. پاتنام این کتاب را در سال ۱۹۹۳ منتشر کرد. کتاب مذکور، محصول یک کار مطالعاتی سه نفره (پاتنام، «رابرت لئوناردی» و «رافائل نانتی») بود که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود. پاتنام در این کتاب ارزنده، کارآیی نظریه سرمایه اجتماعی را در ایتالیای معاصر به آزمون می‌گذارد. فرضیه پاتنام این است که سرمایه اجتماعی، عامل اصلی توسعه اقتصادی و کارآمدی

حکومت و فقدان آن عامل اصلی توسعه‌نیافتگی اقتصادی و عدم کارآمدی حکومت است (پاتنام، ۱۳۸۰). در رویکرد پاتنام، میان توسعه اقتصادی و اجتماعی، بهبود محیط اقتصادی و کارآمدی دولت از یک سو و کیفیت سنت‌های مدنی از سوی دیگر، ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که قوت این سنت‌ها باعث بهبود محیط اقتصادی و افزایش کارایی نهادهای سیاسی می‌شود (Swain, 2003: 195-196).

به نظر پاتنام، تنها در جایی که سرمایه اجتماعی بین‌گروهی<sup>۱</sup> (یعنی سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های مختلف، در مقابل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی<sup>۲</sup> به معنای سرمایه اجتماعی در درون گروه‌های همگن) از قوت زیادی برخوردار است، می‌توانیم شاهد وجود و تعدد نهادهای مختلف مدنی و در نهایت موفقیت آن شهر، محله یا جامعه باشیم: سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی (شرکت در انتخابات، تعداد خوانندگان روزنامه‌ها، عضویت در گروه‌های سرود مذهبی و محافل ادبی، باشگاه‌های نیکوکاران، باشگاه‌های فوتبال و...) به عنوان شاخص مهم سرمایه اجتماعی، ایجادگر جامعه مدنی‌ای قوی و در نتیجه، نشانه‌های موفقیت یک منطقه هستند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۶). به نظر وی، افول توسعه در جنوب ایتالیا و آمریکای دهه ۱۹۵۰ به بعد، پیامدی از افول سرمایه اجتماعی در این مناطق بوده است.<sup>۳</sup>

جیمز ساموئل کلمن نیز به طور تلویحی قائل به نقش مهم سرمایه اجتماعی در روند بهبود اقتصادی است. او، سرمایه اجتماعی را به عنوان عاملی مطرح می‌کند که تسکین‌دهنده و کاهش‌دهنده آثار زیان‌های اقتصادی است. او سرمایه اجتماعی را به عنوان تعهدات و انتظارات، پتانسیل اطلاعاتی و هنجارها و ضمانت‌های مؤثری می‌داند که درون و بیرون از خانواده، ایجادکننده سرمایه انسانی است (کلمن، ۱۳۸۶: ۴۶۲). به عبارت دیگر، افزایش سرمایه اجتماعی باعث تقویت سرمایه انسانی به عنوان عنصری از بهبود محیط کسب و کارها به معنای عام می‌شود. سرمایه‌گذاری والدین بر روی بچه‌هایشان، از یک طرف آنان را قادر می‌سازد تا سرمایه انسانی‌شان را افزایش دهند و از طرف دیگر، آنان را توانا می‌سازد تا مزایای اقتصادی بیشتری به دست آورند. والدین نیز با مردمانی دیگر در اجتماعات، کنش متقابل دارند؛ اجتماعاتی که به وجود آورنده تراکمی از ساختار هنجارهای اجتماعی، اعتماد و تعهدات وسیع میان خانواده و مدرسه هستند<sup>۴</sup> و آنان را در امر تربیت فرزندان‌شان یاری می‌رسانند و همبستگی آن اجتماع را تضمین می‌کنند (کلمن، ۱۳۸۴).

1. Bridging social capital

2. Ibid.

۳. برای مطالعه نگاهی انتقادی به این رویکرد پاتنام، ر.ک:

Schudson, Michael, "What if civic life didn't die?" The American Prospect, Vol. 25, 1996, pp. 17-20.

۴. منظور، انجمن‌هایی مانند انجمن اولیا و مربیان است.





به نظر گرانووتر (۱۹۹۵) نیز اعتماد (به‌عنوانی یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی) باعث بهبود کسب‌وکارها و افزایش کارآمدی اقتصادی می‌شود به طوری که می‌توان گفت یکی از پیامدهای تضعیف شدید اعتماد در جوامع، ناکارآمدی اقتصادی است. جاناتان ایشام (۱۶۰: ۲۰۰۲) نیز با مترادف دانستن سرمایه اجتماعی با ساختارهای اجتماعی محلی بر این باور است که این ساختارهای محلی بر تصمیمات و پیامدهای اقتصادی از طریق چهار سازوکار اصلی زیر تأثیر می‌گذارد: به اشتراک گذاشتن اطلاعات، تأثیر بر هزینه‌های مبادله (معاملاتی)<sup>۱</sup>، کاهش مشکلات مربوط به کنش جمعی و کاهش ریسک. از سوی دیگر، مطالعات متعددی بر این نکته تأکید دارند که کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف نهادهای حقوقی و شبکه‌های اجتماعی، مجبور به تحمل هزینه‌های مبادله سنگینی هستند که آسیب جدی به اقتصاد این کشورها وارد کرده است. به نظر آنان، شبکه‌های اجتماعی (به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه اجتماعی) نقش مهمی در چرخش اطلاعات و تسهیل مبادلات میان بازیگران اقتصادی دارند (Fafchamps and Minten, 2002).

دسته‌ای از تحلیلگران (Reed, 2001) نیز با تأکید بر وجود حدی از نااطمینانی به شکل طبیعی در محیط اقتصادی، استدلال می‌کنند که در چنین محیط‌هایی، وجود سازوکارهای هماهنگ‌کننده حمایت از همکاری‌ها ضروری است. به نظر آنها (Dyer and Chu, 2003: 64)، در محیط‌هایی که امکان پیش‌بینی پایین و نااطمینانی و ریسک بالاست، تلاش برای تقویت قابلیت‌هایی که حدی از اطمینان را در میان بازیگران اقتصادی فراهم می‌کند باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی و بهبود عملکردها خواهد شد زیرا «با ایجاد سطحی از اعتماد دوطرفه، افراد بیشتر تمایل پیدا می‌کنند تا در فعالیت‌های مرتبط با کسب‌وکارها هرچند دارای ریسک، شرکت کنند. آنها می‌دانند که در صورت وجود اعتماد متقابل، ریسک کاهش پیدا کرده و کسب‌وکارشان رونق پیدا می‌کند» (Carroll, 2007: 2).

این شیوه استدلال، با تأکید بر مفهوم «اعتمادسازی»<sup>۲</sup> آن را یکی از کارویژه‌های دولت‌ها برای تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود محیط کسب‌وکارها قلمداد می‌کند. در مجموع، نوعی همبستگی مثبت میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و محیط کسب‌وکار وجود دارد به گونه‌ای که در صورت افزایش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، محیط کسب‌وکار نیز بهبود خواهد یافت.

---

۱. منظور از هزینه مبادله، آن دسته از هزینه‌هایی است که طرفین یک مبادله در فرآیند انجام مبادله متحمل می‌شوند، نظیر هزینه‌های کسب اطلاعات و ایجاد اطمینان از الزام طرف مقابل به انجام تعهداتش. از نظر اقتصاددانان، «هزینه مبادله» مانند اصطلاح در فیزیک عمل می‌کند؛ بدین ترتیب که می‌توان آن را کاهش داد، اما نمی‌توان آن را به صفر رساند. علاوه بر این، هر چه این هزینه بیشتر باشد، منافع طرفین معامله را بیشتر کاهش خواهد داد. سرمایه اجتماعی بالا، نظیر اعتماد شهروندان به همدیگر، مبادله را تسهیل کرده و هزینه مبادله را کاهش می‌دهد.

## ۲. وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران

چنان‌که اشاره شد، سرمایه اجتماعی به ساده‌ترین معنا عبارت است از مجموعه شاخص‌هایی که درباره سه مؤلفه اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها طرح می‌شوند (Putnam, 1993, 2000). این مؤلفه‌ها را می‌توان به چهار دسته شاخص‌های اعتماد، روابط اجتماعی، رفتارهای نوع‌دوستانه و مشارکت (سیاسی و اجتماعی) تقسیم کرد.<sup>۱</sup> این چهار شاخص، نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی سه سطح اصلی زندگی اجتماعی یعنی سطوح خرد، میانه و کلان است (Deth, 2008) که می‌تواند بر کیفیت محیط اقتصادی و کسب‌وکارها تأثیر بگذارد. در این بخش، به ارزیابی از وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران خواهیم پرداخت تا دریابیم که این سرمایه ارزشمند و تأثیرگذار بر محیط کسب‌وکار، در چه وضعیتی قرار داد.

برای تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، می‌توان به سه دسته از داده‌های آماری رجوع کرد: نخست، داده‌های آماری ارائه شده در مقالات علمی با حجم نمونه عموماً محدود و در مقیاس خرد - محلی (برای نمونه، فیروزجائیان و علی‌بابایی، ۱۳۹۲؛ نجارزاده، عزتی و سلیمانی، ۱۳۹۲)؛ دوم، داده‌های آماری با حجم نمونه وسیع‌تر از دسته قبل و در مقیاس میانه و به‌صورت مقایسه میان شهرها و سوم، داده‌های آماری ملی ارائه شده توسط مراکز رسمی کشور در مقیاس کلان - ملی. انکای صرف به داده‌های آماری دسته اول، به جهت تحلیل در سطح خرد و محدود، نمی‌تواند هدف اصلی پژوهش حاضر یعنی سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران را برآورده کند. بدین جهت، تحقیق حاضر مبتنی بر داده‌های دسته دوم و سوم، به‌ویژه داده‌های دسته سوم است؛ هرچند به فراخور بحث و به شکل حداقلی، از برخی از داده‌های آماری دسته اول نیز استفاده شده است.<sup>۲</sup>

### ۲-۱. اعتماد

اعتماد، وجه مهمی از سرمایه اجتماعی است. سطح بالایی از اعتماد در میان افراد، تعاملات اجتماعی و

۱. برخی از پژوهشگران (به‌عنوان مثال، رناتی و مؤیدفر، ۱۳۹۰)، از شاخص‌های تلفیقی سلبی و ایجابی برای بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران استفاده کرده‌اند. شاخص‌های سلبی، اشاره به شاخص‌هایی دارد که سیر نزولی آنها، نشان‌دهنده بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی است (به‌عنوان مثال، میزان قتل در هر میلیون نفر، جرائم اقتصادی در هر میلیون نفر، تعرض اجتماعی در هر میلیون نفر، طلاق به‌ازای هر یک صد ازدواج و...) در مقابل، شاخص‌های ایجابی، اشاره به شاخص‌هایی دارد که سیر صعودی آنها یا بالا بودن میزان آنها نشان‌دهنده بهبود سرمایه اجتماعی است. این تحقیق، بر اساس شاخص‌های ایجابی تنظیم شده است. در بسیاری از تعابیر دیگر در مورد شاخص‌های سرمایه اجتماعی (به‌عنوان مثال، علی‌اکبری، خاندوزی و دیگران، ۱۳۸۷) نیز از همین رویه پیروی شده است.

۲. کمبود شدید داده‌های آماری ملی به‌روز، باعث شده تا تمام ارزیابی‌های انجام شده در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران مبتنی بر داده‌های مربوط به سال‌های گذشته باشد؛ به‌عنوان مثال، تحلیل دکتر محسن رناتی و دکتر رزیتا مؤیدفر از وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد»، چاپ سال ۱۳۹۰، مبتنی بر داده‌های آماری دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ است.



اقتصادی در جامعه را راحت تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. از جنبه اجتماعی و اقتصادی، روشن است که اینگونه تعاملات میان افراد، باعث ارتقای سطح رفاه جامعه می‌شود. از طرف دیگر، اعتماد متقابل فعالیت‌های جمعی و مشترک را تسهیل خواهد کرد. در قسمت اول، شاخص اعتماد به چند زیرشاخص تقسیم شده است که عبارتند از: اعتماد بین‌شخصی به خانواده، اقوام و خویشان و دوستان، اعتماد بین‌شخصی به گروه‌ها و اصناف مختلف (پیمایش در ۶ مرکز استان توسط ICTRC و پیمایش ملی در ۲۸ مرکز استان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، اعتماد مردم به یکدیگر (نگاهی به آینده)، اعتماد به قوانین اجتماعی.

### ۱-۲. اعتماد بین‌شخصی به اعضای خانواده، اقوام و خویشان و دوستان

جدول ۱. «اعتماد بین‌شخصی» به خانواده، اقوام و خویشان و دوستان (پیمایش ملی)

عنوان	اصلاً (درصد)	خیلی کم (درصد)	کم (درصد)	متوسط (درصد)	زیاد (درصد)	خیلی زیاد (درصد)	کاملاً (درصد)	تعداد نمونه آماري
شما اعضای خانواده خود را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید؟	۰/۳	۰/۵	۱	۹/۷	۲۲	۲۶/۶	۳۹/۶	۱۶۸۰۱
شما اقوام و خویشان خود را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید؟	۳/۷	۵/۳	۸/۵	۳۳/۵	۲۷/۲	۱۵/۳	۶/۵	۱۶۷۳۲
شما دوستان خود را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید؟	۴/۵	۶/۹	۹/۷	۳۴/۴	۲۵	۱۳/۷	۵/۶	۱۶۷۰۳

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، گزارش ملی، ۱۳۸۲، ص ۶۵.

داده‌های جدول ۱، از تداوم نقش خانواده در کشور به عنوان کانون بروز اعتماد حکایت می‌کنند. همین‌طور، برخی از مطالعات موردی نیز این اعتماد بالا در درون خانواده و بی‌اعتمادی نسبی به افراد خارج از خانواده را تأیید می‌کنند. به‌عنوان مثال، قاسمی و همکاران (۱۳۸۵)، طی مطالعه‌ای که در شهرستان‌های استان اصفهان انجام گرفته، به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌هایی مثل اعتماد به خانواده که با وجوه سنتی جامعه در ارتباطند، وضعیت مناسب‌تری دارند و شاخص‌هایی همچون اعتماد به غریبه‌ها که با زندگی مدرن رابطه بیشتری دارند، در وضعیت نامطلوب‌تری قرار دارند. مطالعات کریمی (۱۳۸۶)، نوغانی و همکاران (۱۳۸۷)، موسوی و همکاران (۱۳۹۱) نیز میزان اعتماد به خویشاوندان یا خانواده و اقوام را بالاتر از میانگین گزارش کرده‌اند (پاک‌سرشت، در دست انتشار). در نظریات مختلف، نگاه‌های متفاوتی به نوع ارتباط میان همبستگی و اعتماد فراوان در خانواده و

تولید سرمایه اجتماعی وجود دارد. دو دسته مهم از این نظریات، نظریات جیمز ساموئل کلمن و فرانسیس فوکویاما است. کلمن (۱۳۸۶)، خانواده را از اجزای اصلی و کانونی تولید سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آورد تا حدی که به زنان مشغول به کار یا زنان مشتاق به کار متأهل، پیشنهاد می‌کند تا برای جلوگیری از تضعیف سرمایه اجتماعی موجود در خانواده، وظایف خود را تا حد امکان محدود به خانواده کنند. در سر دیگر این طیف، فوکویاما (۱۳۷۹) قرار دارد که سخن از نظام اخلاقی دوگانه‌ای می‌کند که در آن، افراد اعتماد و همکاری و همیاری را محدود به خانواده خود می‌کنند و در برخورد با غریبه‌ها، کم‌ترین توجه مثبت را از خود بروز می‌دهند: نگرش مثبت به خودی‌ها و نگرش منفی به غیرخودی‌ها و عموم مردم.

در مجموع، شاید بتوان گفت که شکاف میان اعتماد به خانواده نسبت به دیگرانی که در زمره خانواده به‌شمار نمی‌آیند، حتی می‌تواند به منزله نشانه‌ای از سطح نازل سرمایه اجتماعی باشد؛ زیرا دنیای اجتماعی متفاوت از دنیای مأنوس خانواده، بر مبنای قراردادی اجتماعی و با محوریت اعتماد عام به دیگری پایه‌ریزی شده است. سرمایه اجتماعی لازم برای تداوم بقای جامعه و تحقق پیشرفت را باید در محیط اجتماعی و دقیقاً در این قرارداد اجتماعی مبتنی بر اعتماد عام به دیگران جست. از این‌رو، این نگرش منفی به غیرخودی‌ها و عموم مردم، سست‌کننده پایه‌های انسجام اجتماعی و همبستگی ملی در ایران محسوب می‌شود.

## ۲-۱-۲. اعتماد بین‌شخصی به گروه‌ها و اصناف (اعتماد نهادی)

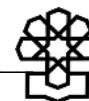
در پژوهشی در مورد میزان اعتماد ایرانیان به صاحبان مشاغل و اصناف کشور با نمونه ۴,۵۰۰ نفری از ساکنان ۱۵ سال و بالاتر مراکز استان‌های کشور، داده‌هایی زیر که نشان‌دهنده بی‌اعتمادی نسبی به این مشاغل و گروه‌هاست به‌دست آمد:

(درصد)

جدول ۲. اعتماد به مشاغل خاص

مشاغل	میزان اعتماد	کم	متوسط	زیاد
قضات	۳۱/۸	۳۵/۱	۳۳/۱	
رانندگان تاکسی	۲۸/۸	۴۹/۶	۲۱/۶	
بنگاهداران	۷۷/۳	۱۹/۷	۳	
تجار و بازاریان	۴۹/۴	۳۹	۱۱/۵	
نیروی انتظامی	۲۰/۳	۲۵/۲	۵۴/۵	
معلمان	۵/۲	۱۷/۵	۷۷/۳	
اساتید دانشگاه	۵/۵	۲۰/۷	۷۳/۸	

مأخذ: سبحانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، صص ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵.



برطبق این پژوهش، بیشترین اعتماد مربوط به اعتماد مردم به معلمان و استادان دانشگاه است که شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که قشر مذکور در حوزه فرهنگی فعالیت می‌کنند و کمترین درگیری را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی دارند. با فاصله نسبتاً زیاد از این دو گروه، نیروی انتظامی، قضات، رانندگان تاکسی، تجار و بازاریان و در نهایت، بنگاهداران با بیشترین درصد بی‌اعتمادی در رده‌های بعدی قرار دارند. همین یافته‌ها به شکلی دیگر در جدول زیر نیز بازتاب دارد. بر طبق یافته‌های جدول زیر، شاخص کلی اعتماد به نهادهای نظام سیاسی در سال ۱۳۸۴ برابر ۴۶/۰۲ بوده است.

جدول ۳. اعتماد به نهادهای اجتماعی (سال ۱۳۸۴)

نهاد	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً	نمی‌دانم
دادگستری و دادگاه	۸/۳	۱۶/۲	۱۳/۴	۲۷/۸	۱۱/۹	۴/۴	۲/۳	۱۵/۹
نیروی انتظامی	۸/۶	۱۴/۴	۱۵/۱	۲۸/۲	۱۵/۳	۵/۳	۱/۹	۱۱/۱
مجلس شورای اسلامی	۵/۳	۱۰/۲	۱۲/۹	۲۹/۵	۱۷/۵	۵/۵	۲/۵	۱۶/۷
آموزش و پرورش	۵/۴	۹/۵	۱۳/۷	۳۰/۶	۲۴	۶/۴	۲/۷	۷/۸
صداوسیما	۴/۷	۹	۱۳/۳	۳۱/۳	۲۲/۱	۷/۶	۲/۴	۹/۵
مراکز درمانی	۹	۱۵/۳	۱۶/۸	۲۸/۷	۱۶/۷	۵/۳	۲/۳	۵/۹
کابینه دولت	۶/۴	۹	۱۱/۴	۲۷	۱۵/۸	۴/۶	۲/۳	۲۳/۵
شاخص کلی اعتماد به نهادها								۴۶/۰۲

مأخذ: پاک‌سرشت، در دست انتشار.

در تحقیق دیگری که توسط مرکز افکارسنجی ایسپا (۱۳۸۵) در کل کشور انجام شده، میزان اعتماد متوسط - زیاد مردم به گروه‌های مهم اجتماعی و سیاسی موجود در کشور بدین قرار است: نیروی انتظامی (۴۴/۱ درصد)، قضات (۳۲/۴ درصد)، مدیران دستگاه‌های دولتی (۱۶/۲ درصد)، نمایندگان مجلس (۲۳/۸ درصد) و نهادهای نظارتی (۲۷/۶ درصد). جدول زیر، روایتی مشابه همین نوع نگرش در پیمایش ۲۸ استان کشور را نشان می‌دهد (در این پیمایش، سیاستمداران و وکلای مجلس حذف شده‌اند).

جدول ۴. اعتماد بین‌شخصی به گروه‌ها و اصناف مختلف (پیمایش ملی) (درصد)

عنوان	اصلاً / خیلی کم / کم	متوسط	زیاد / خیلی زیاد / کاملاً
معلمان	۳/۴	۱۵/۷	۸۰
استادان دانشگاه	۷/۳	۲۰/۶	۷۲/۱
پزشکان	۱۱/۲	۲۴/۴	۶۴/۳
ورزشکاران	۹/۵	۲۸/۴	۶۲

عنوان	اصلاً/خیلی کم/کم	متوسط	زیاد/خیلی زیاد/کاملاً
پلیس راهنمایی	۱۵/۲	۲۹/۱	۵۵/۷
ارتشی‌ها	۱۳/۴	۳۱/۵	۵۵
نیروی انتظامی	۲۰/۹	۲۷/۳	۵۱/۷
کارگران	۱۶/۱	۳۲/۹	۵۱
هنرمندان	۱۵/۹	۳۳/۶	۵۰/۵
قضات	۲۵/۸	۲۹/۶	۴۴/۷
روزنامه‌نگاران	۲۸/۹	۴۰/۳	۳۰/۷
رانندگان تاکسی	۳۵/۵	۳۹/۶	۲۵
کسبه	۳۶/۴۳	۳۹/۳	۱۷/۲
تجار و بازاریان	۵۸/۲	۳۰/۴	۱۱/۳
بنگاهداران	۷۴/۵	۱۸/۹	۵/۶

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۸۰.

این جدول را می‌توان در قالب سه گروه متفاوت تحلیل کرد. گروه اول، شامل معلمان، استادان دانشگاه، پزشکان و ورزشکاران است که در میان مردم، از اعتماد بالایی برخوردارند؛ گروه دوم بنگاهداران (شامل بنگاه‌های املاک و خودرو)، رانندگان تاکسی، کسبه و تجار و بازاریان است که به وضوح مورد بی‌اعتمادی جامعه هستند و گروه سوم که کارگران، پلیس راهنمایی و رانندگی، قضات، نیروی انتظامی، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و ارتشی‌ها را شامل می‌شود که در وضعیت بینابین اعتماد و بی‌اعتمادی عمومی قرار دارند. از نقطه نظر جلب اعتماد عمومی، روزنامه‌نگاران در پایین‌ترین سطح این گروه و پلیس راهنمایی و رانندگی در بالاترین سطح قرار دارند. قضات در میانه این گروه جای می‌گیرند. در واقع، بجز معلمان و استادان دانشگاه تقریباً تمامی گروه‌های مهم و تأثیرگذار و صاحب نفوذ در جامعه از اعتماد کم یا متوسطی در جامعه برخوردارند. بی‌اعتمادی نزدیک به یک‌چهارم مردم به قضات و دادگاه‌ها، نشان‌دهنده تجربیات منفی طیف وسیعی از مردم در مراجعاتشان به دادگاه‌ها است. نگاه بدبینانه به دادگاه‌ها و بی‌اعتمادی به قضات، تأثیر نامطلوبی بر محیط کسب‌وکارها برجای می‌گذارد.

یافته‌های حاصل از پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران در سال ۱۳۸۶ با حجم نمونه ۱۲۰۰۰ نفر، همین الگو را در اعتماد نهادی جامعه ایرانی کم‌وبیش تأیید می‌کنند. در این پیمایش نیز اعتماد به برخی نهادهای رسمی در اغلب موارد کمتر از ۵۰ درصد است. برای مثال اعتماد به دولت ۴۷/۷ درصد، اعتماد به مجلس و دادگاه‌ها ۴۳/۳ درصد، اعتماد به شورای نگهبان ۴۲ درصد، اعتماد به مجمع تشخیص مصلحت ۴۲/۲ درصد و اعتماد به دادگستری و دادگاه‌ها ۴۳/۳ درصد است.



جدول ۵. اعتماد به سازمان‌ها، مؤسسات و نهادها (سال ۱۳۸۶)

نهاد	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	کاملاً	میانگین
بانک‌ها	۵/۱	۱۴/۷	۱۷/۶	۴۴/۳	۱۸/۳	۳/۵۶
بیمارستان‌ها	۳/۸	۱۶/۹	۲۲	۴۱/۹	۱۵/۵	۳/۴۸
دولت	۷/۵	۲۱/۶	۲۳/۳	۳۴/۶	۱۳/۱	۳/۲۴
مجلس شورای اسلامی	۸/۳	۲۳	۲۵/۴	۳۱/۷	۱۱/۶	۳/۱۵
صداوسیما	۵/۷	۲۲/۱	۲۷/۶	۳۴/۶	۹/۹	۳/۲۱
دادگستری و دادگاه	۸/۷	۲۲/۳	۲۵/۷	۳۲/۵	۱۰/۸	۳/۱۴
نیروی انتظامی	۷/۸	۱۹/۶	۲۱/۷	۳۷/۴	۱۳/۵	۳/۲۹
شورای نگهبان	۸/۸	۲۱/۶	۲۵/۶	۳۲	۱۲	۳/۱۷
مجمع تشخیص مصلحت	۱۰/۹	۲۱/۴	۲۵/۶	۳۰	۱۲/۱	۳/۱۱
بسیج	۸/۸	۱۸/۵	۲۲/۸	۳۵/۷	۱۴/۲	۳/۲۸
سپاه پاسداران	۸/۲	۱۸	۲۳	۳۶/۳	۱۴/۷	۳/۳۱
ارتش	۵/۵	۱۴/۸	۲۱/۵	۴۰/۶	۱۷/۵	۳/۵
شهرداری	۱۱/۵	۲۹/۷	۲۷/۴	۲۴/۲	۷/۱	۲/۸۶
مطبوعات و روزنامه‌نگاران	۷/۶	۲۹/۳	۳۱/۰	۲۵/۳	۶/۹	۲/۹۵
احزاب سیاسی	۱۸/۴	۳۲/۸	۲۶/۰	۱۷/۴	۵/۴	۲/۵۹
حوزه‌های علمیه	۹/۳	۱۸/۷	۲۳/۷	۳۳/۹	۱۴/۴	۳/۲۵
مؤسسات خیریه	۴/۶	۱۵/۵	۲۲/۵	۴۰/۱	۱۷/۳	۳/۵
سازمان‌های غیروابسته به دولت	۸/۱	۲۵/۷	۳۰/۹	۲۶/۹	۸/۴	۳/۰۲
شوراها	۹/۷	۲۷/۶	۳۰/۴	۲۵/۳	۷	۲/۹۲

مأخذ: پاک‌سرشت، در دست انتشار.

### ۳-۱-۲. اعتماد مردم به یکدیگر

در این قسمت، دو دسته جدول ارائه می‌شود. دسته اول، که خود شامل سه جدول است، به بررسی نگرش شهروندان به یکدیگر می‌پردازد و دسته دوم، قابل اعتماد بودن یا نبودن مردم را از دیدگاه خودشان مطرح می‌کند.

جدول ۶. نگرش مثبت شهروندان به یکدیگر: به نظر شما هر کدام از خصوصیات که نام می‌بریم،

تا چه اندازه در بین مردم رواج دارد؟ (پیمایش ملی) (درصد)

عنوان	اصلاً / خیلی کم / کم	متوسط	زیاد / خیلی زیاد / کاملاً
تلاش و جدیت	۲۵/۶	۳۳	۴۰/۴
گذشت	۴۷/۵	۲۹/۵	۲۲/۹
امانتداری	۳۸/۸	۳۵/۲	۲۶
انصاف	۵۳/۷	۲۹/۶	۱۶/۶
خیرخواهی و کمک	۳۴/۳	۳۴/۸	۳۰/۸
صداقت	۵۰/۷	۳۱/۳	۱۸/۱
پایبندی به قول و قرار	۴۲/۱	۳۷/۲	۲۰/۷

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۸۶

جدول ۷. نگرش منفی شهروندان به یکدیگر: به نظر شما هر کدام از خصوصیات که نام می‌بریم

تا چه اندازه در بین مردم رواج دارد؟ (پیمایش ملی) (درصد)

عنوان	اصلاً/ خیلی کم/ کم	متوسط	زیاد/ خیلی زیاد/ کاملاً
دورویی و تظاهر	۲۰/۸	۱۴/۳	۶۴/۵
تقلب و کلاهبرداری	۱۷/۹	۱۳/۱	۶۸/۹
تملق و چاپلوسی	۱۸	۱۷/۳	۶۴/۶

مأخذ: همان، ص ۸۶

ارقام ارائه شده در دو جدول ۶ و ۷، به روشنی حاکی از نگرش منفی شهروندان به ارزش‌های اصلی جامعه است. یگانه ارزش مثبتی که اکثریت مردم به غالب بودنش در جامعه اذعان دارند، تلاش و جدیت است. این نگرش به شدت منفی افراد به یکدیگر و در سطح کلی به اعضای جامعه خود، ریشه‌های همکاری و انجام کارها به صورت جمعی و مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی را به شدت تضعیف می‌کند. با درجه‌ای از خطا می‌توان گفت که این منفی‌نگری افراد جامعه به یکدیگر، با گذشت زمان رو به وخامت بیشتری گذاشته است.

دسته دوم، شامل دو جدول است که در جدول اول، نظر شهروندان در مورد قابل اعتماد بودن مردم (شهروندان دیگر) مورد سنجش قرار گرفته است؛ در جدول دوم، نظر شهروندان در مورد اینکه آیا می‌شود آدم خوب را از آدم بد به روشنی تفکیک کرد مورد سنجش قرار گرفته است. این جداول در ادامه تصور مردم از گسترش پدیده ریاکاری، تظاهر و عدم اعتماد افراد به یکدیگر ارائه شده است.

جدول ۸. به طور کلی فکر می‌کنید مردم تا چه حد قابل اعتماد هستند؟

(پیمایش ملی)

نگرش	درصد
کم	۲۸/۸
تاحدودی	۵۶/۹
زیاد	۱۴/۳

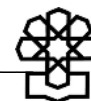
مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۲۶۳.

جدول ۹. مردم واقعاً نمی‌دانند این روزها آدم خوب کیست و آدم بد کیست؟ (پیمایش ملی)

نگرش	درصد
کاملاً مخالف/ مخالف	۱۶/۷
مردد	۱۰/۷
موافق/ کاملاً موافق	۷۲/۶

مأخذ: همان، ص ۲۶۳.





در پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در سال (۱۳۸۶)، که از حیث زمانی به بررسی حاضر نزدیکتر است، کم‌وبیش نتایج مطالعات پیشین مبنی بر وضعیت نامطلوب رواج هنجارهای اخلاقی و اجتماعی تکرار شده‌اند.

جدول ۱۰. رواج خصوصیات اخلاقی در جامعه (۱۳۸۶)

ویژگی اخلاقی	اصلا	کم	تاحدودی	زیاد	کاملاً	میانگین
راستگویی و پرهیز از دروغ‌گویی	۱۹/۵	۴۴/۹	۲۰/۵	۱۲	۳/۳	۲/۳۵
امانتداری و حفظ اسرار و اموال دیگران	۱۰	۳۶/۴	۲۵/۱	۲۳/۳	۵/۱	۲/۷۷
گذشت، فداکاری، عفو و بخشش	۱۰/۶	۳۰/۷	۲۲/۳	۳۰/۲	۶/۲	۲/۹۱
انصاف و رعایت عدالت	۱۷/۴	۴۰	۲۲/۷	۱۶/۳	۳/۵	۲/۴۹
درستکاری و پرهیز از تقلب	۱۸	۴۳/۹	۲۱/۳	۱۳/۸	۳/۱	۲/۴۰
صراحت در بیان و شجاعت در حقیقت‌گویی	۱۳/۷	۳۷/۸	۲۳/۴	۲۰	۵	۲/۶۵

مأخذ: پاک‌سرشت، در دست انتشار.

طبق نتایج این بررسی، ۱۸/۳ درصد رواج راستگویی و پرهیز از دروغ‌گویی، ۲۸/۴ درصد رواج امانتداری و حفظ اسرار و اموال دیگران، ۳۶/۴ درصد رواج گذشت، فداکاری، عفو و بخشش، ۱۹/۸ درصد رواج انصاف و رعایت عدالت، ۱۶/۹ درصد رواج درستکاری و پرهیز از تقلب و ۲۵ درصد نیز رواج صراحت در بیان و شجاعت در حقیقت‌گویی را در جامعه تأیید کرده‌اند (پاک‌سرشت، در دست انتشار). در نهایت، دسته سوم شامل سه جدول است. جدول اول، تصور مردم از رواج صفات خوب در طی ۵ سال آینده را نشان می‌دهد تا نوع تصور افراد از رواج این صفات مثبت در آینده معلوم شود. تا اینجا، براساس جداول قبلی، معلوم شد که افراد نمونه آماری پیمایش ملی، تصویری منفی از شرایط موجود اخلاقی جامعه خود داشتند. از این پس و در سه جدول ذیل، تصور آنها در مورد آینده مورد توجه قرار می‌گیرد. در جداول اول و دوم به ترتیب، تصور افراد از رواج صفات خوب (مثبت)، بد (منفی) در طی ۵ سال آینده مورد سنجش قرار گرفته است و در نهایت جدول سوم، ارزیابی افراد از وضعیت اعتماد مردم به یکدیگر در طی ده سال آینده را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. فکر می‌کنید رواج صفات خوب (مثبت) اخلاقی مثل صداقت، راستگویی،

گذشت و امانتداری بین مردم در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد یا کمتر؟ (پیمایش ملی)

نگرش	درصد
بیشتر خواهد شد	۱۵/۷
کمتر خواهد شد	۸۳/۳
فرقی نخواهد کرد	۱

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷.

جدول ۱۲. فکر می‌کنید رواج صفات بد (منفی) اخلاقی مثل دورویی، تظاهر، تقلب و کلاهبرداری بین مردم در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد یا کمتر؟ (پیمایش ملی)

نگرش	درصد
بیشتر خواهد شد	۸۷/۴
کمتر خواهد شد	۷/۴
فرقی نخواهد کرد	۵/۲

مأخذ: همان.

جدول ۱۳. ارزیابی جمعیت نمونه از وضعیت اعتماد مردم به یکدیگر طی ۱۰ سال آینده (شهر تهران)

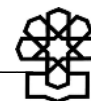
نگرش	درصد
بهتر می‌شود	۱۲/۸
بدتر می‌شود	۶۰
فرقی نمی‌کند	۲۱/۴
نمی‌دانم	۵/۸

مأخذ: کریمی، ۱۳۸۳، ص ۱۸.

تحلیل وضعیت اعتماد اجتماعی در مقایسه با سایر کشورها نیز در بردارنده نتایج تحلیلی مهمی است. یافته‌های حاصل از امواج مختلف پیمایش جهانی ارزش‌ها در پاسخ به این سؤال که «آیا اغلب مردم قابل اعتماد هستند یا باید در مواجهه با آن‌ها احتیاط کرد؟» در جدول ۱۴ آمده است.<sup>۱</sup> ۲۶ درصد از پاسخگویان در کشورهای مورد بررسی دارای اعتماد تعمیم‌یافته بوده‌اند و ۷۴ درصد نیز از اعتماد تعمیم‌یافته کمتری برخوردار بوده‌اند. در این جدول رقم اعتماد اجتماعی در ایران طبق پیمایش سال ۲۰۰۵، ۱۰/۶ گزارش شده است که با نتایج یافته‌های پژوهش‌های داخلی تا اندازه زیادی مطابقت دارد. ذکر این نکته در تحلیل تطبیقی اعتماد اجتماعی ضرورت دارد که میزان اعتماد اجتماعی به تنهایی برای بازگویی سطح سرمایه اجتماعی کافی نیست و تنها هنگامی که با جنبه ساختاری سرمایه اجتماعی یعنی شبکه‌ها و فعالیت‌های مدنی ترکیب شود می‌تواند تصویر روشنی از وضعیت سرمایه اجتماعی در اختیار ما قرار دهد،<sup>۲</sup> البته این بدان معنی نیست که تحلیل داده‌های اعتماد اجتماعی به کلی بی‌فایده است. زیرا مرور داده‌ها به خوبی نشان می‌دهد که کشورهایی که در شاخص توسعه انسانی در سطوح بالایی قرار دارند، از سطح اعتماد اجتماعی بالایی نیز برخوردارند. وضعیت مطلوب اعتماد اجتماعی در کشورهای حوزه اسکاندیناوی یعنی سوئد (۶۸)، دانمارک (۶۶/۵)، نروژ (۷۴/۲) و

۱. برگرفته از تحلیل آنلاین داده‌ها در سایت <http://www.wvsevsdb.com> به نقل از: پاک‌سرشت، در دست انتشار.

۲. نونا مایر در بررسی خود در فرانسه سطح به‌نسبت پایین اعتماد اجتماعی را در کنار آمار بالای نهادهای مدنی و گروه‌های انجمنی فعال در این کشور تأیید می‌کند (مایر، ۲۰۰۳). به نقل از: پاک‌سرشت، در دست انتشار.



فنلاند (۵۸/۹) را می‌توان به‌عنوان مصداق عینی این ادعا قلمداد کرد. دستکم می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی در کشورهایی که با بحران اعتماد روبرو هستند، دشوارتر از کشورهایی است که از این موهبت فرهنگی برخوردارند (پاک‌سرشت، در دست انتشار).

جدول ۱۴. وضعیت اعتماد اجتماعی در کشورهای منتخب

کشور	اغلب مردم قابل اعتمادند	در برخورد با مردم باید محتاط بود	حجم نمونه
فرانسه	۱۸/۸	۸۱/۲	۹۶۶
بریتانیا	۳۰/۵	۶۹/۵	۱,۰۲۳
ایتالیا	۲۹/۲	۷۰/۸	۹۵۳
هلند	۴۵	۵۵	۹۹۳
اسپانیا	۲۰	۸۰	۱,۱۸۴
آمریکا	۳۹/۳	۶۰/۷	۱,۲۴۲
کانادا	۴۲/۸	۵۷/۲	۲,۱۱۳
ژاپن	۳۹/۱	۶۰/۹	۱,۰۲۵
مکزیک	۱۵/۶	۸۴/۴	۱,۵۴۸
آفریقای جنوبی	۱۸/۸	۸۱/۲	۲,۹۶۶
استرالیا	۴۶/۱	۵۳/۹	۱,۴۰۴
نروژ	۷۴/۲	۲۵/۸	۱,۰۱۸
سوئد	۶۸	۳۲	۹۶۲
آرژانتین	۱۷/۶	۸۲/۴	۹۸۹
فنلاند	۵۸/۹	۴۱/۱	۹۹۹
کره جنوبی	۲۸/۲	۷۱/۸	۱,۱۹۰
لهستان	۱۹	۸۱	۹۵۴
سوئیس	۵۳/۹	۴۶/۱	۱,۱۷۸
برزیل	۹/۴	۹۰/۶	۱,۴۷۷
دانمارک	۶۶/۵	۳۳/۵	۹۸۵
هند	۲۳/۳	۷۶/۷	۱,۷۷۸
بلغارستان	۲۲/۲	۷۷/۸	۸۸۳
رومانی	۲۰/۳	۷۹/۷	۱,۶۸۵
چین	۵۲/۳	۴۷/۷	۱,۸۷۳
تایوان	۲۴/۲	۷۵/۸	۱,۲۲۵
ترکیه	۴/۹	۹۵/۱	۱,۳۳۹
اوکراین	۲۷/۵	۷۲/۵	۸۸۹
روسیه	۲۶/۲	۷۲/۸	۱,۹۰۵
تایلند	۴۱/۵	۵۸/۵	۱,۵۲۵
اندونزی	۴۲/۵	۵۷/۵	۱,۷۷۵

کشور	اغلب مردم قابل اعتمادند	در برخورد با مردم باید محتاط بود	حجم نمونه
نیوزلند	۵۱/۲	۴۸/۸	۹۰۵
مصر	۱۸/۵	۸۱/۵	۳۰۴۵
مراکش	۱۳	۸۷	۱,۱۷۷
ایران	۱۰/۶	۸۹/۴	۲,۶۴۷
اردن	۳۰/۹	۶۹/۱	۱,۱۹۲
هنگ‌کنگ	۴۱/۱	۵۸/۹	۱,۲۳۰
مالزی	۸/۸	۹۱/۲	۱,۲۰۱
آلمان	۳۶/۸	۶۳/۲	۱,۸۹۳
جمع کل	۲۶/۱	۷۳/۹	۷۹,۸۰۱

مأخذ: پیمایش جهانی ارزش‌ها، <http://www.wvsevsdb.com> به نقل از به نقل از: پاک‌سرشت، در دست انتشار.

#### ۴-۱-۲. ارزیابی از شاخص اعتماد در ایران

در این بخش، شاخص اعتماد به چهار زیرشاخص مختلف تقسیم شد که عبارت بودند از: اعتماد بین‌شخصی به اعضای خانواده، اقوام و خویشان و دوستان، اعتماد بین‌شخصی به گروه‌ها و اصناف مختلف، اعتماد مردم به یکدیگر در قالب نگرش مثبت و منفی شهروندان به رواج هنجارها یا ناهنجاری‌های اخلاقی در میان شهروندان دیگر و همین‌طور نگرش شهروندان به آینده رواج این صفات در جامعه و در نهایت، اعتماد مردم به قوانین اجتماعی.

به‌نظر می‌رسد که افراد، بیشترین سطح اعتماد را به اعضای خانواده خود دارند و در مرتبه بعد، دوستان و اقوام آنها قرار دارند. همسایگان در رتبه بعدی قرار دارند. در پیمایش‌های مختلف انجام شده، مشخص شد که وقتی از حوزه دایره محدودی که افراد را دربر گرفته است (شامل اعضای خانواده، دوستان، اقوام و همسایگان) خارج می‌شویم و به سنجش نگرش آنان به حوزه گسترده عمومی شامل (نهادهای و افراد) می‌پردازیم، به همان میزان نیز از سطح اعتماد افراد کاسته شده و سطح بی‌اعتمادی افزایش پیدا می‌کند. معلمان و اساتید دانشگاه در این میان استثنا هستند. افراد جامعه از نظر سطح اعتماد به یکدیگر در وضعیت خوبی قرار ندارند. داده‌های جداول مختلف به‌خصوص جدول ۷ نشان می‌دهد که افراد جامعه، نگرش بسیار منفی به یکدیگر دارند. هنگامی که نگرش کلی درخصوص رواج ارزش‌های اخلاقی در یک جامعه و ازجمله رواج صداقت و راستگویی منفی باشد، این به‌معنای وجود بی‌اعتمادی عام در میان افراد جامعه است (Sztompka, 1999). این عامل، علاوه بر این که موجب عدم اعتماد مردم به یکدیگر و در نتیجه افزایش هزینه مبادلات و زمان صرف شده برای انجام یک معامله خواهد شد، بسترساز عدم اعتماد مردم به دولت، عدم اعتماد به روندها و فرآیندهای سیاسی - اقتصادی موجود و در نهایت، تصور شرکت در بازی با حاصل جمع صفر با شهروندان دیگر خواهد شد؛ امری که در صورت تداوم، نه تنها امکان رشد اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار را تضعیف می‌کند،



بلکه جامعه ایرانی را نیز با خطر فروپاشی و تجزیه مواجه خواهد کرد.

## ۲-۲. روابط اجتماعی

روابط اجتماعی، دیگر شاخص سرمایه اجتماعی است. این شاخص، به چند زیرشاخص تقسیم می‌شود که عبارتند از: در تماس بودن با دیگران، روابط با همکاران و در نهایت روابط با مراجع اقتدار (مانند شهردار، رئیس پلیس، مدیران بانک و ...).

### ۲-۲-۱. روابط اجتماعی از نظر در تماس بودن با دیگران

از افراد پرسیده شد که آیا آنها، با این نظر موافقت می‌کنند که افراد زیادی در مجاورت آنها زندگی می‌کنند که همدیگر را نمی‌شناسند و با هم ارتباطی ندارند؟ جدول زیر پاسخ جمعیت نمونه آماری را به این سؤال به صورت میانگین ۶ مرکز استان نشان می‌دهد.

جدول ۱۵. در تماس بودن با دیگران (سنجش شده در ۶ مرکز استان)<sup>۱</sup>

نگرش	درصد
به شدت موافقم	۱۶/۶
موافقم	۳۷/۳
مخالفم	۳۷
به شدت مخالفم	۹
میانگین <sup>۲</sup>	۲/۶۲

مأخذ: عطار، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸.

حدود ۵۴ درصد افراد با این نظر موافق یا به شدت موافقت می‌کنند که افراد زیادی در مجاورت آنها زندگی می‌کنند که اصلاً با یکدیگر ارتباطی ندارند و ۴۶ درصد مخالف یا به شدت مخالف این نظر بودند. عدد میانگین هر ۶ شهر (۲/۶۲) نیز نشان از تماس کم و خیلی کم افراد با یکدیگر دارد. داده‌های این جدول، نشان‌دهنده ضعف افراد جامعه در ارتباط برقرار کردن با یکدیگر است. در تحقیق شیان و دیگران (۱۳۸۸: ۷۶) با حجم نمونه ۴۵۰۰ نفری از افراد ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن در استان‌های کشور نیز داده‌های مشابهی حاکی از ارتباط متوسط و کم افراد با یکدیگر وجود دارد: ارتباط کم با دیگران (۴۱/۶ درصد)، ارتباط متوسط با دیگران (۳۶/۱ درصد) و ارتباط زیاد با دیگران (۲۲/۳ درصد). ضعف افراد در ارتباط برقرار کردن می‌تواند باعث تعلق کم افراد به یکدیگر شود (یا بالعکس). در همین پژوهش، میزان احساس تعلق افراد به یکدیگر بدین قرار بوده است: کم (۳۸ درصد)، متوسط (۳۲/۱ درصد) و زیاد (۲۹/۹ درصد).

۱. ۶ مرکز استان عبارتند از: تهران، اهواز، تبریز، مشهد، رشت و یزد.

۲. میانگین براساس حد واسط پنج مقیاس محاسبه شده است: ۱. اصلاً ۲. خیلی کم ۳. کم ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد. این اعداد در هر شهر مرکز استان با یکدیگر جمع و تقسیم بر پنج می‌شوند.

## ۲-۲-۲. روابط اجتماعی از نظر روابط با همکاران

از افراد پرسیده شد که آنها تا چه اندازه با همکاران خود دوست هستند و با آنها روابط اجتماعی دارند؟ جدول زیر پاسخ جمعیت نمونه آماری به این پرسش را به صورت میانگین ۶ استان نشان می‌دهد.

جدول ۱۶. دوستی و ارتباط با همکاران (سنجش شده در ۶ مرکز استان)

نگرش	درصد میانگین ۶ شهر
خیلی زیاد	۱۴/۲
خیلی	۳۵/۸
کم	۲۳/۵
خیلی کم	۱۱
اصلاً	۱۵/۵
میانگین	۳/۲۲

مأخذ: عطار، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸.

داده‌های این جدول، نشان از تعادلی در ارتباط و عدم ارتباط با همکاران در میان جمعیت نمونه آماری این ۶ مرکز استان دارد؛ ۵۰ درصد از افراد با همکاران خود خیلی زیاد و زیاد ارتباط و دوستی دارند و ۵۰ درصد دیگر نیز کم، خیلی کم و اصلاً یا همکاران خود ارتباط ندارند. عدد میانگین (۳/۲۲) نیز نشان از تعادل در ارتباط (مابین کم (عدد ۳) و زیاد (عدد ۴)) دارد. در کل اعداد این زیرشاخص، نه در وضعیت مطلوب و نه در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. برخی مشاهدات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با وجود کاهش میزان ارتباطات اجتماعی میان افراد، ارتباط خانوادگی و خویشاوندی، همچنان بخش مهمی از ارتباطات اجتماعی افراد جامعه را به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه، در پژوهشی با حجم نمونه ۱,۲۵۰ نفری به روش نمونه‌گیری تصادفی در سطح شهرستان‌های استان زنجان، نوع روابط اجتماعی افراد با دیگران بدین قرار بود: فقط با خانواده (۱۷/۱ درصد)، فقط با خویشاوندان (۱/۱ درصد)، فقط با دوستان (۳ درصد)، فقط با همکاران (۰/۴ درصد)، فقط با سایر افراد مثل همسایه‌ها و... (۱/۴ درصد)، خانواده و خویشاوندان (۲۳ درصد)، خانواده و دوستان (۱۱/۵ درصد)، خانواده و همکاران (۱/۴ درصد) (قهاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶۴).

## ۲-۲-۳. روابط اجتماعی از نظر روابط با مراجع اقتدار

هرچند داده‌های قابل اتکایی برای سنجش میزان ارتباط افراد با مراجع اقتدار (مانند استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، نمایندگان مجلس، نمایندگان شوراها، پلیس، ادارات دولتی و...) وجود ندارد، اما می‌توان با سنجش نگاه افراد جامعه به مقولاتی همچون شیوع پارتی‌بازی و امکان احقاق حق، درکی نسبی از نوع ارتباط افراد با مراجع اقتدار به دست آورد. به جهت اهمیت موقعیت‌های سازمانی در سیاستگذاری



شهری و ملی و تأثیرگذاری بالای مراجع اقتدار در روند زندگی افراد، نوع نگاه افراد به شیوه‌های مؤثر اعمال قانون و احقاق حق می‌تواند گویای وجود یا نبود ارتباطات رسمی با این مراجع باشد. روشن است که وقتی در جامعه‌ای افراد از کانال‌های رسمی برای ارتباط با مراجع اقتدار استفاده نمی‌کنند، تنها مسیر برای ارتباط برقرار کردن و پیشبرد امور خود، کانال‌های غیررسمی (و بعضاً مخرب) است. سه جدول زیر، نگرش افراد را نسبت به استفاده از کانال‌های غیررسمی و پیش‌بینی آنها از روند گسترش چنین کانال‌هایی در آینده را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

#### جدول ۱۷. به نظر شما، مسئله پارتی‌بازی

تا چه اندازه در جامعه، جدی و مهم است؟ (پیمایش ملی)

نگرش	درصد میانگین ۲۸ استان
زیاد/خیلی زیاد/کاملاً	۸۷
متوسط	۸
کم/خیلی کم/اصلاً	۵

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۷۹، ص ۶۴

جدول ۱۸. عده‌ای معتقدند در شرایط فعلی هر کس پول و پارتی نداشته باشد،

حقوقش پایمال می‌شود. شما با این نظر موافقت یا مخالف؟ (پیمایش ملی)

نگرش	درصد میانگین ۲۸ استان
مخالف	۱۲/۳
مردد	۷/۱
موافق	۸۰/۶

مأخذ: همان، ص ۹۷

جدول ۱۹. ارزیابی جمعیت نمونه آماری از وضعیت رشوه‌خواری، اختلاس،

پارتی‌بازی و ... در کشور طی ۱۰ سال آینده (شهر تهران) (درصد)

عنوان	بهتر می‌شود	فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	نمی‌دانم
درصد	۹/۴	۱۳/۵	۶۸/۹	۸/۲

مأخذ: کریمی، ۱۳۸۳، ص ۱۴

افراد جامعه با وجود نگرش منفی به کانال‌های غیررسمی، تنها این کانال‌ها را برای پیشبرد امور خود مفید می‌دانند. نکته مهم این است که نه تنها نگرش آنها در زمینه گسترش اختلاس و پارتی‌بازی در زمان حاضر منفی است، بلکه ارزیابی آنها از آینده نیز بدبینانه است.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد پیامدهای ظهور و گسترش پارتی‌بازی و مواردی از این دست (در کل، استفاده از کانال‌های غیررسمی در ارتباط با مراجع اقتدار) و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی یک جامعه، ر.ک:

ریچارد رز، کارها در جامعه ضدمدرن چگونه پیش می‌رود: شبکه‌های سرمایه اجتماعی در روسیه، در کیان تاج‌بخش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴، صص ۵۶۹-۶۰۹

#### ۲-۲-۴. ارزیابی از شاخص روابط اجتماعی در ایران

شاخص روابط اجتماعی به سه زیرشاخص در تماس بودن با دیگران، دوستی و ارتباط با همکاران و روابط از طریق کانال‌های رسمی با مراجع اقتدار تقسیم شد. وضعیت جمعیت نمونه آماری، نشان از ارتباط کم افراد با یکدیگر داشت. گریز از انجام کارهای گروهی، فردگرایی منفی، ناطمینانی و بدگمانی و مواردی از این دست همگی نشانه‌هایی از کاهش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. جدول زیر، جمع‌بندی بالا را با زبان آمار نشان می‌دهد.

جدول ۲۰. جمع‌بندی میزان روابط اجتماعی در میان شهروندان ۶ مرکز استان

عنوان	میانگین
زیاد/خیلی زیاد	۳۲/۵٪
کم/خیلی کم/اصلاً	۶۷/۵٪
میانگین	۳/۱۱

مأخذ: عطار، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱.

#### ۲-۳. رفتارهای نوع‌دوستانه

این شاخص، سومین شاخص این بخش برای سنجش سرمایه اجتماعی در ایران است. شاخص رفتارهای نوع‌دوستانه به دو زیرشاخص تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کمک به فقرا و در نهایت، مشارکت در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی.

##### ۲-۳-۱. رفتارهای نوع‌دوستانه از نظر کمک به فقرا

از افراد پرسیده شد که آنها چقدر در فعالیتهای مربوط به جمع‌آوری اعانه برای فقرا شرکت می‌کنند؟ جدول زیر، پاسخ افراد به این پرسش را نشان می‌دهد.

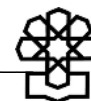
جدول ۲۱. کمک به فقرا (سنجش شده در ۶ مرکز استان)

عنوان	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
درصد میانگین	۱۰/۸	۳۶/۴۷	۲۸	۱۱/۸	۱۲/۷

مأخذ: همان، ص ۱۶۳.

با توجه به داده‌های این جدول، نزدیک به ۴۷ درصد از پاسخگویان در فعالیتهای مربوط به جمع‌آوری اعانه برای فقرا شرکت می‌کنند که وضعیت متعادلی را در کمک به فقرا نشان می‌دهد.





### ۲-۳-۲. رفتارهای نوع دوستانه از نظر شرکت در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی

با وجود اینکه داده‌های قابل اتکایی برای سنجش رفتارهای نوع دوستانه در میان مردم وجود ندارد، اما برخی از پژوهش‌ها نشان‌دهنده تمایل نسبی بخش بزرگی از افراد جامعه برای شرکت در کارهای نوع دوستانه و مشارکت برای رفع مشکلات دیگران است. به عنوان نمونه، در پژوهشی با حجم نمونه ۳۵۰ نفری در میان افراد ۱۵ سال به بالای خانوارهای ساکن شهر کرمان، میزان شرکت افراد در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی و تلاش برای حل مشکلات دیگران بدین قرار بوده است: ۳۱/۴ درصد کم، ۲۴/۳ درصد متوسط و ۴۴/۳ درصد زیاد (شیانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در تحقیق شیانی و دیگران (۱۳۸۸: ۷۶) (چنان‌که پیش از این اشاره شد، با حجم نمونه ۴،۵۰۰ نفری از افراد ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن در استان‌های کشور)، میزان شرکت افراد در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی و مشارکت برای رفع مشکلات دیگران بدین قرار بوده است: کم (۳۴/۵ درصد)، متوسط (۳۳/۶ درصد) و زیاد (۳۱/۹ درصد). با این حال و علی‌رغم شرکت بسیاری از افراد در کارهای نوع دوستانه، تلقی افراد از دیگران (=مردم)، نشان‌دهنده نوعی نگرش منفی است. از افراد سؤال شد که آنها فکر می‌کنند چند درصد از مردم در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی، یعنی فعالیتهایی که سودی برای افراد ندارد، شرکت می‌کنند؟

جدول ۲۲. شرکت در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی (سنجش شده در ۶ مرکز استان) (درصد)

عنوان	۱۰۰-۷۵	۷۵-۵۰	۵۰-۲۵	۲۵-۰	میانگین
درصد میانگین	۱۳/۴	۱۸/۱	۴۳/۵	۲۵	۴۵/۲۱

مأخذ: همان، ص ۱۶۴.

این جدول، نشان می‌دهد که بیش از ۶۸ درصد افراد معتقدند که کمتر از ۵۰ درصد مردم در فعالیتهای مرتبط با منافع عمومی شرکت می‌کنند که این داده‌ها نیز، چنان‌که اشاره شد، نگرش منفی افراد به یکدیگر را نشان می‌دهد.

### ۲-۳-۳. ارزیابی از شاخص رفتارهای نوع دوستانه در ایران

در ارزیابی از وضعیت این شاخص می‌توان گفت که این شاخص، کمتر دارای داده‌های آماری منسجم و یکپارچه با یک مبنای نظری و استانداردهای آماری قابل استناد است. بنابراین، نمی‌توان ارزیابی دقیقی در مورد وضعیت این شاخص ارائه کرد. با این حال، برخی داده‌های پیشین نشان می‌دهد که هرچند بسیاری از افراد در کارهای نوع دوستانه (احتمالاً بیشتر به صورت فردی) شرکت می‌کنند، اما تلقی افراد جامعه از یکدیگر این است که دیگران کمتر در این فعالیتهای شرکت می‌کنند. این نکته اخیر نیز گویای نگاه منفی افراد جامعه به یکدیگر و به نوعی گسترش بی‌اعتمادی در میان مردم است.

## ۴-۲. مشارکت

مشارکت، جزء شاخص‌هایی است که به شدت مورد توجه اغلب پژوهشگران سرمایه اجتماعی بوده است. برای مثال، به‌نظر رابرت پاتنام (۲۰۰۰)، مشارکت افراد در قالب شبکه‌های مشارکت مدنی، اقتصادی و سیاسی، پدیدآورنده و تجمیع‌کننده انرژی آن جامعه برای رشد، پیشرفت و ترقی است، زیرا تنها با گردهم آمدن و مشارکت گروهی است که خلاقیت و نوآوری ممکن می‌شود. هارگادون (۲۰۰۳): ۱۲) بر این باور است که «حتی ادیسون نیز نه مخترعی تنها بلکه در شبکه متراکمی از افراد، ایده‌ها و موضوعات درگیر بود. در واقع، اختراع او، برآیند همه تأثیراتی بود که این شبکه متراکم بر روی او داشتند». برای ارزیابی وضعیت شاخص مشارکت می‌توان این شاخص را به دو گونه مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی تقسیم و با ارزیابی هر کدام از آنها، تصویری از وضعیت کلی شاخص مشارکت ارائه کرد.

### ۴-۲-۱. مشارکت سیاسی

به‌رغم وجود داده‌های آماری در زمینه «شرکت» در انتخابات (که نمی‌توان آن را معیار کاملی برای «مشارکت» سیاسی دانست)، در زمینه تمایل افراد به مشارکت سیاسی، اعداد و ارقام اندکی موجود است. در پیمایش ملی، تنها یک پرسش به‌طور مستقیم در مورد اهمیت مشارکت سیاسی در نظر مردم مطرح شده است. ارقام به‌دست آمده از این پیمایش، در جدول ۲۳ خلاصه شده است.

جدول ۲۳. بررسی وضعیت نگرش نسبت به مهمترین مسائل جامعه (پیمایش ملی) (درصد)

عنوان	حفظ نظم و قانون (امنیت)	دخالت مردم در سیاست (مشارکت)	مقابله با تورم و گرانی (رفاه)	آزادی بیان و مطبوعات (آزادی)
به چهار مسئله در کشور اشاره می‌کنم. به‌نظر شما کدام یک از آنها بیشترین اهمیت را دارد؟	۴۶/۲	۸/۴	۳۱/۵	۱۳/۹
بجز این موارد که گفتید، دومین مسئله از نظر اهمیت کدام است؟	۲۹/۴	۱۴/۵	۳۹/۸	۱۶/۲

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵.

داده‌های این جدول، نشان می‌دهد که نه فقط مشارکت سیاسی کمترین اهمیت را در اولویت اول مردم دارد، بلکه در میان دومین انتخاب هر فرد نیز آخرین انتخاب محسوب می‌شود. نکته دیگر اینکه، اعتقاد به تساوی افراد در برابر قانون، زمینه لازم را برای مشارکت سیاسی افراد فراهم می‌کند. با توجه به پیمایش مورد استفاده در این تحقیق، به‌نظر می‌رسد در نگرش شهروندان



ایران، نوعی تصور منفی در زمینه اجرای برابر قانون وجود دارد و به گونه‌ای که به گمان بسیاری از شهروندان، اجرای قانون برای برخی از مقامات مسئول محلی از اعراب ندارد؛ امری که باعث تضعیف تمایل به مشارکت سیاسی می‌شود. جدول زیر، این نوع نگرش را در میان شهروندان ۲۸ شهر مرکز استان کشور نشان می‌دهد.

جدول ۲۴. بعضی‌ها معتقدند «در جامعه ما، قانون در مورد مسئولین و مردم به یکسان اجرا می‌شود» شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟ (پیمایش ملی) (درصد)

نگرش	درصد میانگین ۲۸ استان
کاملاً مخالف/مخالف	۵۵/۵
مردد	۱۶/۲
موافق/کاملاً موافق	۲۸/۳

مأخذ: همان، ص ۱۰۹.

شهروندانی که در تجربیات روزمره خود، تبعیض در اجرای قانون در برابر دولتمردان، صاحب منصبان و یا نیروهای نظامی و انتظامی را مشاهده می‌کنند، به شکل تدریجی ارزش درونی هنجار قانون‌گرایی در ذهن آنها کاهش و دامنه بی‌هنجاری به قوانین متعدد (مدنی، جزایی و...) گسترش پیدا می‌کند (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ۴۲۳).

## ۲-۴-۲. مشارکت اجتماعی

مشارکت در فعالیت‌های جمعی و عضویت در نهادهای مدنی، جنبه مهم دیگری از سرمایه اجتماعی است. مشارکت اجتماعی هم می‌تواند غیررسمی باشد (مانند افرادی که در همسایگی هم زندگی می‌کنند و در فعالیتی بین خود مشارکت می‌کنند، بازی‌های گروهی و مهمانی‌های دوستانه مانند برگزاری جشن تولد) و هم می‌تواند رسمی باشد (مانند عضویت در نهادها). اگرچه هر دو نوع مشارکت اجتماعی فوق مطلوب هستند، اما به نظر می‌رسد کیفیت مشارکت رسمی اجتماعی، به دلیل تأثیر آن بر محیط اجتماعی بزرگ‌تر، دارای پیامدهای بیشتری برای محیط اقتصادی باشد. پاتنام معتقد است که انجمن‌های داوطلبانه به‌عنوان مهمترین مراکز مشارکت رسمی اجتماعی را باید پرورش‌دهنده فضیلت مدنی دانست. او بر این باور است که انجمن‌های داوطلبانه و غیرانحصاری که ویژگی‌شان سطح بالای تعامل رو در روست، در چرخه مطبوع اعتماد درگیرند، زیرا عادت‌های همکاری، همبستگی و همدلی عمومی را تلقین می‌کنند و مهارت‌های لازم برای فعالیت پویاتر و خلاقانه‌تر افراد در حوزه‌های مختلف جامعه را افزایش می‌دهند (فنتون، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

در این بخش، شاخص مشارکت اجتماعی به چند زیرشاخص تقسیم شده است: باور به نقش داشتن در تصمیم‌گیری‌ها، تمایل به سرمایه‌گذاری به‌صورت فردی یا جمعی و عضویت در نهادهای مدنی.

## ۳-۴-۲. باور افراد به اینکه در تصمیم‌گیری‌ها، نقش دارند

از افراد سؤال شد که تا چه اندازه بر این باورند که آنها می‌توانند در فرآیند تصمیم‌گیری‌هایی که در اطرافشان اتفاق می‌افتد، مؤثر باشند؟ پاسخ افراد به این پرسش، در جدول زیر به نمایش درآمده است.

جدول ۲۵. باور به مؤثر بودن در تصمیم‌گیری‌ها (سنجش شده در ۶ مرکز استان)

عنوان	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً	نمی‌دانم
درصد میانگین	۱۰	۲۸/۶	۲۶/۴	۱۶/۵	۱۸/۵	۲/۹۵

مأخذ: عطار، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰.

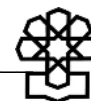
حدود ۶۲ درصد افراد بر این باور بودند که کم/خیلی کم/اصلاً در تصمیم‌گیری‌هایی که در اطراف آنها انجام می‌شود (شامل امور محلی و شهری) نقش دارند؛ میانگین نیز مابین عدد ۲ (خیلی کم) و عدد ۳ (کم) قرار دارد. داده‌های این جدول، نشان می‌دهد که اکثریت افراد پذیرفته‌اند که امور و روندهایی که در اطراف آنها اتفاق می‌افتد، از اراده آنها خارج است. با توجه به این موضوع، پرسش مهم این است که چرا شهروندان، خود را ناتوان در تأثیرگذاری بر تصمیماتی می‌بینند که در مجاورت آنها اتفاق می‌افتد؟ پاسخ به این پرسش از دو حالت خارج نیست: یا تمام وسایل برای مشارکت شهروندان در امور فراهم است، اما آنها عدم دخالت و عدم مشارکت را به‌عنوان امری مطلوب انتخاب کرده‌اند و یا آنها عدم مشارکت را نوعی ویژگی منفی تلقی می‌کنند، اما کانال‌هایی برای مشارکت بیشتر و تأثیرگذاری بر تصمیمات نمی‌یابند. بدین معنا، عدم مشارکت به نوعی بر آنها تحمیل شده است. در نظرسنجی که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در بهمن‌ماه ۱۳۸۱ انجام شده، از افراد پرسیده شده است که «آیا به‌نظر آنان، ضرورتی برای افزایش نقش شهروندان در اداره بهتر شهر وجود دارد؟» پاسخ افراد جمعیت نمونه آماری در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲۶. ضرورت افزایش نقش شهروندان در اداره بهتر شهر (ساکنین مراکز استان‌ها) (درصد)

عنوان	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم/اصلاً	نمی‌دانم
درصد میانگین	۳۰	۳۶	۵	۱۴	۸

مأخذ: بررسی تمایل شهروندان به مشارکت در انتخابات شوراها، ۱۳۸۱، ص ۹۹.

۶۶ درصد افراد بر این باورند که «افزایش نقش شهروندان در اداره بهتر شهر» زیاد و بسیار زیاد ضروری است. بنابراین، می‌توان با توجه به این جدول، به پرسش قبلی چنین پاسخ داد که شهروندان جامعه (حداقل جمعیت نمونه آماری) بر این باورند که عدم مشارکت، امری نامطلوب است و نقش شهروندان در اداره بهتر شهر باید افزایش یابد، اما کانال‌ها و مجاری مؤثری برای اعمال این نقش و عملی کردن این باور پیدا نمی‌کنند.



### ۱-۳-۴-۲. تمایل افراد به سرمایه‌گذاری به صورت فردی یا جمعی

از افراد پرسیده شد که «اگر آنها مبلغ قابل توجهی پول داشته باشند و بخواهند پولشان را از طریق خرید یک خانه سرمایه‌گذاری کنند، کدام یک از این دو راه را انتخاب می‌کنند: الف) یک خانه ۲۰۰ متری را به تنهایی بخرند یا ب) یک خانه ۶۰۰ متری را با شراکت با افراد دیگر بخرند؟» پاسخ افراد در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲۷. تمایل به سرمایه‌گذاری به صورت فردی یا جمعی (سنجش شده در ۶ مرکز استان)

عنوان	انتخاب گزینه الف (تعداد)	انتخاب گزینه الف (درصد)	انتخاب گزینه ب (تعداد)	انتخاب گزینه ب (درصد)	میانگین
تعداد و درصد پاسخ‌ها به دو گزینه	۳۰۸۵	۸۹	۳۸۱	۱۱	۱/۱۱

مأخذ: عطار، ۳۹۱، ص ۱۷۲.

اکثریت قریب به اتفاق افراد (۸۹ درصد) به این باورند که در صورت امکان سرمایه‌گذاری در مسکن، حتی با وجود کسب سود بیشتر به صورت اشتراکی، باز هم به صورت فردی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این تمایل روانی افراد به کارکردن و سرمایه‌گذاری به صورت فردی، اساس نگرش جمعی و کارکردن در قالب شبکه‌های اجتماعی و بروز خلاقیت و نوآوری در محیط کسب‌وکارها را تضعیف می‌کند. به نظر برخی از پژوهشگران (Hamilton, 1998: 192)، یکی از مهمترین دلایل موفقیت اقتصادهای شرق آسیا، تمایل افراد به سرمایه‌گذاری به صورت جمعی است. به دلیل نقش شبکه‌های تجاری و قوت خصلت جمعی کنش‌های اقتصادی، اقتصادهای نوظهور این منطقه را «سرمایه‌داری شبکه‌ای» نامیده‌اند (Fruin, 1992).

### ۲-۳-۴-۲. عضویت در نهادهای مدنی

در پیمایش انجام شده در تابستان ۱۳۸۱ در مورد رفتارهای فرهنگی ایرانیان، در مورد مشارکت اجتماعی از نظر عضویت در نهادهای مدنی، از فعالیت اعضا در ۱۱ زمینه پرسش شده است: اعضای خانواده در کدام یک از فعالیت‌ها یا تشکلهایی که اسامی آنها ذکر می‌شود، شرکت دارند یا عضو هستند؟ انجمن‌های علمی و فرهنگی، انجمن خانه و مدرسه، اتحادیه صنفی، انجمن اسلامی، بسیج، شورای محله، هیئت امنای مسجد، تشکلهای سیاسی، کانون فرهنگی، انجمن‌های خیریه و صندوق‌های قرض‌الحسنه. ۲۹/۵ درصد افراد ۱۵ سال و بیشتر در یک یا چند فعالیت اجتماعی مورد پرسش شرکت می‌کنند و ۷۰/۵ درصد در هیچ یک از این فعالیت‌ها شرکت نمی‌کنند. ۱۸/۷ درصد نمونه آماری فوق در یک فعالیت، ۶/۶ درصد در دو، ۲/۵ درصد در سه و ۱/۸ درصد در چهار و بیش از چهار فعالیت، شرکت می‌کنند (بررسی رفتارهای فرهنگی ایرانیان، ۱۳۸۱: ۱۹۸) تمامی این داده‌ها

نشان از ضعف شدید افراد جامعه در زمینه شرکت در نهادهای مدنی و مشارکت اجتماعی است. در پیمایش ملی زمستان ۱۳۸۲ (موج دوم) این نکته به شکل دیگری تأیید شده است. اعداد این جدول نیز داده‌های قبلی را به‌گونه‌ای تأیید می‌کنند.

جدول ۲۸. با کدام یک از انجمن‌ها زیر همکاری دارید؟ (پیمایش ملی)

نمی‌دانم	خیر	بلی	نگرش
۱۱	۶۲/۵	۳۷/۵	هیئت‌های مذهبی
۹	۷۴/۱	۲۵/۹	انجمن اولیا و مربیان
۱۲	۷۸/۴	۲۱/۶	انجمن‌های ورزشی و تفریحی
۱۱	۸۰	۲۰	انجمن‌های خیریه مثل انجمن حمایت از بیماران مستمند
۱۷	۸۰/۷	۱۹/۳	فعالیت در پایگاه بسیج
۱۵	۸۶/۵	۱۳/۵	انجمن‌های علمی
۱۴	۸۶/۸	۱۳/۲	انجمن‌های اسلامی
۱۲	۸۹	۱۱	انجمن‌های هنری و ادبی
۱۰	۹۰	۱۰	شوراهای محلی
۱۴	۹۱/۲	۸/۸	اتحادیه و انجمن‌های صنفی حرفه‌ای
۱۶	۹۷	۳	احزاب و گروه‌های سیاسی

مأخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۳۴۱.

جدول ۲۹. میزان همکاری و عضویت در نهادهای مدنی (سال ۱۳۸۶)

عضویت		همکاری		همکاری با نهادهای مدنی	ردیف
دارد	ندارد	دارد	ندارد		
۹/۵	۹۰/۵	۲۰/۶	۷۹/۴	انجمن اولیا و مربیان	۱
۲۲/۳	۷۷/۷	۳۸/۸	۶۱/۲	گروه‌های مذهبی	۲
۱۸/۳	۸۱/۷	۲۴	۷۶	گروه‌های ورزشی	۳
۱۱/۹	۸۸/۱	۲۸/۷	۷۱/۳	گروه‌های خیریه	۴
۴/۳	۹۵/۷	۶/۶	۹۳/۴	گروه‌های صنفی	۵
۲/۸	۹۷/۲	۴/۸	۹۵/۲	گروه‌های قومی	۶
۱/۳	۹۸/۷	۲/۱	۹۷/۹	گروه‌های سیاسی	۷
۱۹/۷	۸۰/۳	۲۲/۳	۷۷/۷	بسیج	۸
۲	۹۸	۳/۶	۹۶/۴	شوراها	۹
۵/۱	۹۴/۹	۶/۸	۹۳/۲	گروه‌های علمی	۱۰

مأخذ: پاک‌سرشت، در دست انتشار.

براساس یافته‌ها، میزان همکاری ۵۵/۲ درصد افراد با نهادهای مدنی کم، ۳۳ درصد متوسط و ۱۱/۸ درصد زیاد بوده است. بر اساس این جدول، تنها ۱۲ درصد جامعه را می‌توان در زمره کسانی قرار



داد که عضویت آنها در نهادهای مدنی زیاد است. البته همین میزان نیز نشان‌دهنده کمیت عضویت است و کیفیت عضویت را نشان نمی‌دهد. در مطالعه دیگری موسوی (۱۳۸۶) تأیید کرده است که ۸۱/۲ درصد پاسخگویان در نهادهای مدنی مشارکت ندارند. عقیلی (۱۳۸۸) عضویت در نهادهای مدنی را کم گزارش کرده و مطالعه شیانی و همکاران (۱۳۸۸)، نیز تأیید کرده است سرمایه اجتماعی، به‌ویژه در روابط انجمنی در پایین‌ترین حد قرار داشته است (پاک‌سرشت، در دست انتشار).

#### ۴-۲. ارزیابی از شاخص مشارکت در ایران

شاخص مشارکت، در این پژوهش به دو جزء تقسیم شد: مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی. براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۸۲)، مشارکت سیاسی دارای کمترین اولویت در میان افراد جامعه است. دلایل این قضیه را بررسی کردیم و گفتیم که به احتمال زیاد، مجاری و کانال‌های مناسب و مؤثری برای جذب مشارکت سیاسی افراد وجود ندارد. در مورد مشارکت اجتماعی نیز مشخص شد که اکثریت افراد بر این باورند که نقش ضعیفی در تصمیم‌گیری‌ها دارند و این در حالی است که اکثریت افراد قائل به ضرورت افزایش نقش شهروندان در اداره بهتر امور هستند. بیشتر افراد تمایل به سرمایه‌گذاری فردی و نه جمعی - مشترک دارند و حاضر هستند تا سود کمتری به‌دست آورند، اما در سرمایه‌گذاری‌های مشترک (که به‌نظر آنها «احتمالاً» ریسک بسیار بالایی دارد) شرکت نکنند. وضعیت جامعه از نظر میزان عضویت در نهادهای مدنی نیز نامطلوب است.

#### ۵-۲. ارزیابی از وضعیت سرمایه اجتماعی و محیط کسب‌وکار در ایران

در مجموع، داده‌ها و آمارهای موجود همگی ظاهراً از سطح نازل عواملی حکایت می‌کند که در این تحقیق، به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی معرفی شده بودند. این داده‌ها توسط گزارش‌های برخی مؤسسات بین‌المللی نیز تأیید شده است. برای مثال، مؤسسه لگاتوم در گزارش خود در مورد وضعیت جهانی کامیابی، ایران را از نظر سرمایه اجتماعی در میان ۱۴۲ کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۸۲، سال ۱۳۸۹ در رتبه ۱۰۶، سال ۱۳۹۰ در رتبه ۱۰۷، سال ۱۳۹۱ در رتبه ۱۲۱ و سال ۱۳۹۲ در رتبه ۱۲۰ قرار داده است. در گزارش سال ۱۳۹۲ این مؤسسه، ایران در منطقه قرمز رنگ یعنی منطقه کشورهای دارای سرمایه اجتماعی اندک قرار گرفته است ([www.ayandeban.ir](http://www.ayandeban.ir)).

بررسی ما نشان داد که هرچند هنوز حوزه‌های اجتماعی را می‌توان یافت - مانند درون خانواده - که در آنها شاخص اعتماد، دارای وضعیت مطلوبی است، اما به محض خارج شدن از حوزه خانواده، با افت شدید اعتماد روبرو هستیم که نشان از کاهش ذخایر سرمایه اجتماعی است. همچنین مشاهده کردیم که اعتماد مردم به گروه‌های مختلف اجتماعی، طیف بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود و تقریباً از بی‌اعتمادی شدید (نسبت به بنگاهداران و تجار و بازاریان) تا اعتماد کامل (به معلمان و استادان

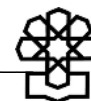
دانشگاه) را در برمی‌گیرد. در عین حال، گروه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار اجتماعی (مانند سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و قضات) مورد کم اعتمادی عموم مردم قرار دارند.

مجموعه داده‌های مربوط به اعتماد، زمانی نگران‌کننده می‌شوند که به داده‌های مربوط به باور مردم به افت ارزش‌های اجتماعی و گسترش ضدا ارزش‌ها در جامعه مراجعه کنیم. در کنار هم قرار گرفتن این دو مجموعه ارقام، به روشنی از وجود بی‌اعتمادی گسترده در جامعه حکایت می‌کند. به نظر تحلیلگران (Arrow, 1974: 26)، یکی از مشخصه‌های آشکار جوامعی که به لحاظ توسعه اقتصادی عقب مانده‌اند و محیط مناسبی برای فعالیت اقتصادی و موفقیت کسب‌وکارها ندارند، فقدان اعتماد متقابل است. این مؤلفه، آن‌چنان از اهمیت برخوردار است که به‌گونه‌ای کاملاً ملموس، منجر به زیان اقتصادی برای این کشورها شده است و به اداره خوب نظام سیاسی (حکمرانی خوب) آنها ضربه زده است.

شاخص روابط اجتماعی نیز از وضعیت خوبی در ایران برخوردار نیست. به گفته شهروندان نمونه آماری در پیمایش ۶ مرکز استان، شهروندان در مرکز این استان‌ها، در تماس بودن با دیگران را امری مطلوب نمی‌دانند. حدود ۷۰ درصد شهروندان دارای ارتباطات اجتماعی ضعیفی هستند که این امر به افت شدید سرمایه اجتماعی در این شهرها منجر شده است. رفتارهای نوع‌دوستانه، به‌عنوان سومین شاخص سرمایه اجتماعی، از وضعیت خوبی برخوردار نیست. بیش از ۹۲ درصد مردم خیلی کم در فعالیتهای نوع‌دوستانه شرکت می‌کنند. سرمایه اجتماعی، کالایی است عمومی که با فعالیتهای نوع‌دوستانه افراد در مجامع عمومی تولید و تقویت می‌شود. با وجود اینکه در فرهنگ ایرانی، پیام‌های اخلاقی زیادی درباره تشویق افراد به شرکت در فعالیتهای نوع‌دوستانه، وجود دارد، اما آمارهای موجود حکایت از ضعف شدید این جنبه از سرمایه اجتماعی در ایران دارد.

در مورد مشارکت اجتماعی نیز این نتیجه به‌دست آمد که سطح مشارکت اجتماعی بسیار پایین است. به‌رغم میل شدید افراد به مشارکت (نظرسنجی در مراکز استان‌ها)، اکثریت افراد بر این باورند که نقش کمی در تصمیم‌گیری‌ها دارند یا اصلاً نقشی ندارند. جنبه دیگری از مشارکت اجتماعی، تمایل به سرمایه‌گذاری به صورت دسته جمعی است که این زیرشاخص نیز در کشور، با وضعیت نامناسبی روبرو است؛ زیرا ۸۹ درصد افراد مایل به سرمایه‌گذاری‌های فردی هستند. عضویت در نهادهای مدنی، به‌عنوان سومین زیرشاخص مشارکت اجتماعی نیز در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ زیرا با وجود مذهبی بودن اکثریت مردم و با وجود قرار گرفتن هیئت‌های مذهبی در رأس انجمن‌های مدنی مورد توجه مردم، تنها ۳۷/۵ درصد افراد به عضویت این تشکلهای درآمدی یا تمایل به عضویت در آن دارند. نهادهای مدنی مدرن نیز چندان مورد توجه مردم قرار نگرفته‌اند. نکته مهم، قرار گرفتن احزاب و گروه‌های سیاسی در مرتبه آخر جدول است. این به معنای تشکلهای گریزی جامعه در ایران است.





در مجموع، چندان تردیدی باقی نمی‌ماند که موضوع بهبود سرمایه اجتماعی در ایران یکی از اولویت‌های راهبردی کشور است. مطالعاتی که روند سرمایه اجتماعی را نیز بررسی کرده‌اند در روند کاهشی سرمایه اجتماعی متفق‌القولند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سعادت ۱۳۸۷؛ صفدری و همکاران، ۱۳۸۷؛ سیاهپوش، ۱۳۸۷؛ به نقل از پاک‌سرشت، در دست انتشار). براساس یافته‌های پژوهش، میان وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و وضعیت محیط کسب‌وکار رابطه همبستگی مستقیم وجود دارد. بدین روی می‌توان انتظار داشت که محیط کسب‌وکار نیز دارای وضعیت نامناسبی باشد. برای مثال، داده‌های مربوط به وضعیت محیط کسب‌وکار ایران در گزارش «انجام کسب‌وکار» نیز دقیقاً همین واقعیت را نشان می‌دهند. داده‌های گزارش مذکور بیانگر آن است که ایران از ۱۰ شاخص انجام کسب‌وکار، در ۴ شاخص رتبه ۱۵۰ و بالاتر، در ۳ شاخص رتبه بالاتر از ۱۲۵، در ۲ شاخص رتبه بالاتر از ۸۰ و تنها در ۱ شاخص رتبه بالاتر از ۵۰ دارد. در مجموع، ایران در هیچ‌کدام از شاخص‌های انجام کسب‌وکار دارای رتبه مطلوبی نیست. نگاهی به داده‌های سری زمانی از سال ۲۰۱۱ (۱۳۸۹) تا ۲۰۱۴ (۱۳۹۲) نیز نشان‌دهنده نزول شاخص‌های محیط کسب‌وکار در ایران دارد.

جدول ۳۰. رتبه ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار و نماگرهای آن در سال‌های اخیر

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
شروع کسب‌وکار	۴۳	۵۰	۸۷	۱۰۷
کسب مجوز ساخت‌وساز	۱۶۲	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۹
دسترسی به انرژی الکتریکی	-	۱۶۴	۱۶۳	۱۶۹
ثبات مالکیت	۱۵۹	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۸
دریافت اعتبار	۹۶	۹۷	۸۳	۸۶
حمایت از سهام‌داران خرد	۱۶۶	۱۶۷	۱۵۰	۱۴۷
پرداخت مالیات	۱۱۸	۱۲۵	۱۲۹	۱۳۹
تجارت خارجی	۱۳۱	۱۳۹	۱۴۳	۱۵۳
اجرای قراردادهای	۴۸	۵۴	۵۳	۵۱
حل‌وفصل ورشکستگی	۱۱۷	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۹
رتبه کلی	۱۴۰	۱۴۴	۱۴۵	۱۵۲
تعداد کشورها	۱۸۳	۱۸۳	۱۸۵	۱۸۹

مأخذ: وضعیت ایران در گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی، ۱۳۹۲، ص ۲.

داده‌های این جدول نیز نشان می‌دهند که کشور ما نه تنها در هیچ‌کدام از شاخص‌های محیط کسب‌وکار جایگاه مناسبی ندارد، بلکه از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۲ نیز تقریباً اغلب این شاخص‌ها با افول رتبه مواجه شده و وضعیت محیط کسب‌وکار در کشور بدتر شده است. این داده‌ها نشان می‌دهند که نهادهای دولتی باید به سرعت در زمینه بهبود محیط کسب‌وکار اقدام کنند. توضیح اینکه هرچند

تحقیق حاضر، تحقیقی علی نیست؛ اما براساس یافته‌های بخش ۲، تأثیر سرمایه اجتماعی بر محیط کسب‌وکار، می‌توان گفت که نامناسب بودن وضعیت متغیر سرمایه اجتماعی و متغیر محیط کسب‌وکار، نشان‌دهنده وجود رابطه (مستقیم یا غیرمستقیم) میان این دو متغیر است.

### ۳. تأثیر نهادهای حکومتی بر وضعیت سرمایه اجتماعی

نگاهی مختصر به ادبیات بحث رابطه سرمایه اجتماعی و محیط کسب‌وکار نشان می‌دهد که در بسیاری از آنها، سرمایه اجتماعی سرمایه‌ای پنداشته می‌شود که در محیط اجتماعی به‌صورت خودجوش به وجود آمده و در صورت قوت عناصر سرمایه اجتماعی، محیط کسب‌وکار بهبود پیدا می‌کند. برداشت از سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک گیاه خودرو که به محض اینکه دو نفر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند تولید می‌شود (Edwards and Foley, 1997: 670) باعث شده است تا پژوهش‌های اندکی با فرض متغیر وابسته بودن سرمایه اجتماعی (یعنی با این فرضیه که وضعیت سرمایه اجتماعی، متأثر از روندهای سایر عناصر و بازیگران حاضر در جامعه است) انجام شود.

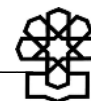
متغیر وابسته دانستن سرمایه اجتماعی تا حد زیادی محدود به پژوهش‌هایی است که در آنها بر نقش دولت در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید شده است. اندیشه تأثیر گذاشتن دولت‌ها (به معنای همه نهادهای سیاسی موجود در جامعه) بر تولید<sup>۱</sup> یا تقویت سرمایه اجتماعی،<sup>۲</sup> مخرج مشترک این دست از پژوهش‌ها محسوب می‌شود. بدین معنا، نهادهای دولتی می‌توانند با افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی، بر وضعیت محیط کسب‌وکار تأثیر بگذارند. این همان رویکرد دومی است (رویکرد تأثیرگذاری غیرمستقیم- مدنی بر محیط کسب‌وکار) که پیش از این از آن یاد شد. از این رو، باید به این مورد توجه داشت که تا مدت‌ها این چنین تصور می‌شد که یا میان سرمایه اجتماعی و دولت نسبتی وجود ندارد و یا این نسبت به‌صورت رابطه معکوس است. بسیاری از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، اغلب دولت را عامل تخریب اجتماعات مدنی و خودجوش می‌دانستند. به‌نظر آنها، دولت با سازمان‌های دیوان‌سالارانه رسمی‌اش، جای شبکه‌های غیررسمی را گرفته و جامعه را به مشکلات بسیاری مبتلا کرده است. برای مثال، جیمز کلنن بر این باور است که نوعی رابطه با «حاصل جمع صفر» میان فعالیت‌های دولتی و سرمایه اجتماعی وجود دارد به‌طوری که درگیر شدن دولت در مسائل (مسائلی که

۱. برای نمونه، ر.ک:

Evans, Peter B., "Introduction: Development Strategies Across the Public-Private Divide", in Peter Evans (ed.), *State-Society Synergy: Government and Social Capital in Development*, University of California Intl., 1997, pp. 1-10.

۲. برای نمونه، ر.ک:

Warner, Mildred, "Building Social Capital: the Role of Local Government", *Journal of Socio-Economics*, Vol. 30, 2001, pp. 187-192.



می‌توانند نهادهای غیردولتی آنها را به انجام برسانند) باعث کاهش در فعالیت شبکه‌های غیررسمی و نقصان در سرمایه اجتماعی می‌شود (Evans, 1997: 3).

در کنار این رویکرد، رویکرد دیگری مطرح شد که در آن، این نتیجه به دست آمده بود که سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیری وابسته، متأثر از کنش‌های دولت و عملکردهای نهادهای دولتی بود. بدین معنا در این رویکرد، میان سرمایه اجتماعی و دولت رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر، در نسبت سنجی میان این دو متغیر، این نتیجه به دست آمده بود که افزایش/ کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، پیامدی از عملکردهای مطلوب/ نامطلوب نهادهای دولتی است (Uslaner, 2003: 91).

در برخی از این تحقیقات، دولت به‌عنوان طرف سوم در توافقات خصوصی می‌تواند با تضمین این توافقات، اعتماد اجتماعی میان افراد را تقویت کند (Guseva and Rona-Tas, 2001: 628). دولت می‌تواند با افزایش کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی باعث افزایش سرمایه اجتماعی شود؛ سرمایه اجتماعی که خود باعث کاهش نرخ فقر و بهبود محیط کسب‌وکارها می‌شود (Woolcock and Narayan, 2000: 236). در برخی دیگر از تحقیقات، بر این گزاره تأکید می‌شود که دولت می‌تواند با خلق جوامعی برابرتر و بسترسازی برای برابری فرصت‌ها برای همه افراد جامعه، اعتماد میان شهروندان را افزایش داده و با افزایش سطح شاخص‌های سرمایه اجتماعی، به بهبود عملکرد اقتصاد کمک کند. در اینجا، رابطه مستقیمی میان رویه‌های دولتی در برابری فرصت‌ها با افزایش اعتماد به‌عنوان یکی از شاخص‌های پذیرفته شده سرمایه اجتماعی برقرار می‌شود (Herrerros, 2009: 179). در این پژوهش‌ها، بر اهمیت سیاست‌های دولت، به خصوص دولت‌های رفاهی،<sup>۲</sup> بر تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه تأکید می‌شود. وارن (۲۰۰۴: ۱۶) نیز بر این باور است که اینکه سرمایه اجتماعی دارای پیامد مثبت یا منفی باشد به کیفیت نهادهای دولتی و بهبود روند دموکراتیزاسیون در کشور بستگی دارد.

در مجموع، در متن این رویکردها، در پاسخ به این پرسش که آیا دولت بر سطح سرمایه اجتماعی در جامعه تأثیرگذار است یا خیر، چنین پاسخ داده می‌شود که دولت و نهادهای دولتی می‌توانند باعث تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی شوند. در بسیاری از این دسته مطالعات، این نتیجه مشترک

۱. برای نمونه، ر.ک:

Huyseune, M., "Institutions and Their Impact on Social Capital and Civic Culture: the Case of Italy", in M. Hooghe and D. Stolle (eds.), *Generating Social Capital*, New York: Palgrave, 2003, pp. 211-230

۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد، ر.ک:

C. Bjørnskov, "Determinants of Generalized Trust: a Cross-Country Comparison", *Public Choice*, Vol. 130, No. 1-2, 2007, pp. 1-21; and Job, J.A., "Ripples of Trust: Reconciling Rational and Relational Accounts of the Source of Trust", Dissertation, Department of Sociology, Australian National University, 2007.

به‌دست آمده است که نهادهای کارآمد و قدرتمند دولتی می‌توانند با تدارک مجموعه‌ای از اقدامات، سرمایه اجتماعی را تولید و آن را تقویت کنند (Warner, 2001: 188-189).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش، سه نتیجه زیر را نشان می‌دهد:

۱. شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر محیط کسب‌وکار تأثیر مستقیم دارند؛
۲. شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران (دستکم در مرکز استان‌ها) در وضعیت مناسبی قرار ندارند؛

۳. دولت در کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی نقش دارد.

مسئله اهمیت سرمایه اجتماعی و ضرورت مناسب بودن محیط کسب‌وکار برای عملکرد متعادل اقتصادی موضوعی است که در میان سیاستمداران کشورهای توسعه یافته، همواره مورد توجه قرار گرفته است. آنها رفتارها و سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که به سرمایه اجتماعی و آسبایی به فضای کسب‌وکار لطمه‌ای نزنند. تصمیم‌گیرندگان این جوامع به خوبی می‌دانند که حدی از سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد، اما آنچه که باعث حفظ و افزایش آن می‌شود، رفتارهای مقامات مسئول و کیفیت نهادهای موجود در جامعه است.

از این نظر، جدا از رویه‌های گذشته که باعث افول سرمایه اجتماعی در ایران شده بود، ضروری است تا نهادهای دولتی برای جلوگیری از فرسایش بیشتر سرمایه اجتماعی، سیاست‌ها و رویکردهای نوینی را برای تقویت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و در نتیجه، بهبود محیط کسب‌وکار طرح و اجرایی کنند. یکی از مهمترین نهادهایی که می‌تواند به روند تقویت سرمایه اجتماعی در کشور کمک کند، نهاد مجلس شورای اسلامی است.

قوه مقننه با تصویب قوانینی خاص با محوریت تقویت اعتمادی نهادی، تسهیل ارتباطات میان شهروندان و مشارکت در حوزه‌های مختلف و تقویت هنجارهای اخلاقی می‌تواند در بهبود محیط کسب‌وکار نقش مهمی داشته باشد. قوه مقننه می‌تواند با تصویب قوانینی که مقوم سرمایه اجتماعی در جامعه است؛ مانند قوانین تضمین‌کننده حقوق مالکیت و افزایش قابلیت اجرا شدن قراردادهای، نقش مؤثری در افزایش سطح اعتماد عمومی و افزایش اعتماد میان فعالین اقتصادی در ضمانت اجرای بالای قراردادها و در نتیجه آن، بهبود محیط کسب‌وکارها داشته باشد.

به‌رغم نقش والای قوه مقننه در ساختار نظام سیاسی کشور، سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه عمومی است که برای تقویت آن نیاز به همیاری دیگر قوای نظام است. از این‌رو، هرچند این تحقیق با هدف ارائه پیشنهادهایی به قوه مقننه تنظیم شده است، اما برخی از این پیشنهادها، تنها در صورتی



عملیاتی می‌شوند که دو قوه مجریه و قضائیه نیز مشارکت داشته باشند. نکته مهم این است که برای تقویت سرمایه اجتماعی در کشور، ابتدا نیاز به وجود حدی از همیاری و همکاری (سرمایه اجتماعی) میان نهادها و سه قوه اصلی نظام سیاسی کشور است.

در این بخش، دو دسته مرتبط با هم از پیشنهادهای ارائه می‌شود. در قسمت پیشنهادهای به قوه مقننه، بیشتر به رویکردها و نگرش‌هایی پرداخته شده که قانونگذار را قادر می‌کند تا در مسیر تقویت سرمایه اجتماعی گام بردارد. در قسمت پیشنهادهای تقنینی، بیشتر به موارد انضمامی و مشخص که می‌تواند با اصلاح و بازنگری در قوانین موجود، به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه منجر شود اشاره شده است. بخش دوم، ادامه منطقی اتخاذ رویکردهای جدید برای اصلاح قوانین با هدف افزایش سرمایه اجتماعی است. عنوان تقنینی از آن جهت انتخاب شده که در بخش دوم، بیشتر (و نه تماماً) به موارد مشخص قانونی اشاره می‌شود. با این حال، استخراج دقیق نسبت مفاد قوانین مختلف کشور با سرمایه اجتماعی و ارائه بسته پیشنهادی جامعی در مورد بازنگری در کلیه قوانین، نیازمند پژوهشی مستقل است.

## ۱. پیشنهادهای به قوه مقننه

### ۱-۱. پیشنهادهایی برای افزایش اعتماد

- اگر در جامعه‌ای، سطح دانش نخبگان علمی و نخبگان ابزاری (مقامات مسئول) پایین باشد، می‌توان به ساده‌ترین شکل، از طریق بهبود روندهای تحقیق و پژوهش، سطح دانش را افزایش داد. اما در صورتی که در جامعه‌ای، سطح اعتماد، خیرخواهی یا گرایش به همکاری پایین باشد، عملاً امکان بهبود و پیشرفت در سایر حوزه‌ها بسیار دشوار یا ناممکن می‌شود. مجلس می‌تواند در زمینه صیانت از اعتماد فردی و به‌ویژه اعتماد نهادی (اعتماد به نهادهای اجتماعی مانند اعتماد به قوانین) اقدامات مؤثری انجام دهد. اگر بتوان از اعتماد عمومی که سرچشمه همکاری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است صیانت کرد، می‌توان کیفیت نظم اجتماعی و بهبود محیط کسب‌وکار و در نتیجه، سطح رشد و توسعه اقتصادی را افزایش داد.

- یکی از پایه‌ای‌ترین نهادهایی که در آن، سرمایه اجتماعی تولید و حفظ می‌شود، نهاد خانواده است. هرچند مجلس در طول سال‌های گذشته برای تحکیم خانواده اقدامات شایسته‌ای انجام داده است، اما این اقدامات نتوانسته‌اند چندان که باید اهداف مد نظر را محقق کنند. برای طراحی و تدوین طرح‌های جدید در زمینه تحکیم خانواده و تقویت پیوندهای درون خانوادگی و میان خانوادگی، نمایندگان می‌توانند از طریق دفاتر مرتبط با موضوع در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به آسیب‌شناسی و استخراج تجربیات از آن طرح‌ها اقدام کنند. اصلاح قوانین موجود و تدوین قوانین جدید برای افزایش حضور زنان در خانواده در عین حضور آنها در محیط‌های اقتصادی، می‌تواند با

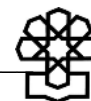
افزایش حضور فیزیکی و ذهنی زنان در خانواده، به تقویت اعتماد در میان اعضای خانواده کمک کند. قوانین حقوقی حمایت از خانواده و امکان دسترسی به کمک هزینه خانواده، رابطه اعتماد منجر به ازدواج و بچه‌دار شدن را از نظر اقتصادی کم‌خطرتر می‌کند. این دسته از قوانین حمایتی می‌تواند هم به افزایش میزان ازدواج و تشکیل خانواده در میان جوانان منجر شود و هم سطح اعتماد را در میان اعضای خانواده تقویت خواهد کرد.

- همه ابعاد فساد (اقتصادی، سیاسی و اداری) و ویژه‌خواری، عامل تضعیف اعتماد نهادی محسوب می‌شوند. نمایندگان می‌توانند با کمک قوه قضائیه و قوه مجریه، قوانین ضدفساد را تدوین و از طریق ایجاد سازوکارهای نظارتی، بر حسن اجرای این قوانین نظارت کنند. لغو یا عدم تصویب قوانینی که گروهی خاص را از امتیازات ویژه برخوردار می‌کند، نه تنها به افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه این امر می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نهاد تقنینی در کشور نیز منجر شود.

- ضروری است تا در زمینه مبارزه با فساد (با هدف تقویت اعتماد عمومی) مجلس با همکاری رسانه‌های فراگیر کشور (به خصوص رسانه ملی) تبلیغات مستمری را در مورد اقدامات انجام شده در این زمینه ترتیب دهد. یکی از تاکتیک‌های جلب اعتماد عمومی، منطق نمایش عمومی مبارزه با فساد است. این تاکتیک، یکی از رایج‌ترین فنون در رقابت‌های تجاری است. مثلاً تولیدکنندگان اتومبیل با برنامه‌های پرهزینه پس گرفتن تولیدات معیوب (که با تبلیغات گسترده‌ای همراه است) توجه خود به ایمنی محصولاتشان را به مشتریان نشان می‌دهند. نمایندگان مجلس برای افزایش اعتماد عمومی (به ویژه اعتماد نهادی)، باید همزمان با تصویب قوانین ضدفساد، اقدامات خود را با تبلیغات گسترده رسانه‌ها و گزارش‌دهی مستمر به مردم همراه کنند.

- تبعیت از قانون به شروطی بستگی دارد که ضروری است نمایندگان در تدوین و تصویب قانون به آن توجه داشته باشند:

- الزاماتی که در خود قانون تعبیه شده است (و قانون‌گریزی را با مجازات کنترل می‌کند)؛
  - میزان تعارض آن با منافع گروه‌های اجتماعی؛
  - میزان توانایی سیاستگذاران و قانونگذاران در استفاده صحیح و عادلانه از قدرت خود و مقاومت آنها در برابر وسوسه‌های فرصت طلبی (= میزان اعتماد مردم به فاسد نبودن مقامات).
- چنانچه نمایندگان، قوانینی وضع کنند که ضمانت اجرایی داشته باشد، با منافع گروه‌های اجتماعی زیادی تعارض نداشته باشد و اعتماد مردم به نمایندگان و سیاستگذاران زیاد باشد، میزان قانون‌گرایی در جامعه افزایش خواهد یافت. اعتماد عمومی مردم به صداقت قانونگذاران، یکی از شروط ضروری برای اطاعت عمومی از قانون است. در این زمینه، ضروری است تا کمیسیون‌های مختلف مجلس با افزایش شفافیت در روندهای تصمیم‌گیری و کاهش تا حد ممکن جلسات غیرعلنی خود، بر



نگرش‌های نهادی مردم و اعتماد عمومی به نهاد قانونگذار تأثیر مثبت گذاشته و بخشی از پیش زمینه‌های لازم برای قانون‌گرایی در کشور را فراهم کنند.

- تضمین حقوق مالکیت خصوصی و حقوق مالکیت فکری (حق اختراع و حق تکثیر)، بخشی از اعتمادسازی در افراد را تضمین می‌کند. نگرانی از به سرقت رفتن اموال و ایده‌ها و آثار تولید، ایجادگر بدبینی به نهادهای تضمین‌کننده مالکیت (بی‌اعتمادی نهادی) و سوءپندار به سایرین (بی‌اعتمادی به مردم) است. مجلس می‌تواند با همکاری قوه قضائیه، با ایجاد سازوکارهای نظارتی دقیق و تصویب قوانین حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و معنوی، هم بخشی از اعتماد نهادی را تقویت کند و هم بستری مؤثر برای افزایش اعتماد عمومی در جامعه ایجاد کند.

- ورود جدی و مؤثرتر مجلس به مباحثی که با حساسیت عمومی مواجه بوده است مانند فروش بنزین‌های غیراستاندارد، تقلب در آزمون‌های سراسری و فروش سؤالات و ... مجلس می‌تواند کمیسیون ویژه‌ای برای بررسی و تصمیم‌گیری در مورد مسائلی تأسیس کند که حداقل یک‌سوم نمایندگان آن را «مسائلی با حساسیت عمومی» می‌دانند. همه گزارش‌های این کمیسیون باید در صحن عمومی قرائت و به‌صورت مستقیم از رادیو پخش و در مطبوعات منعکس شوند.

## ۲-۱. پیشنهادهایی برای افزایش رفتارهای نوع‌دوستانه

- یکی از مهمترین مراکز تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی، دو وزارتخانه آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری است. از میان این دو نهاد آموزشی، وزارت آموزش و پرورش برای تقویت/تضعیف سرمایه اجتماعی مهمتر است. مؤسسات آموزشی، صرفاً مراکزی برای تبدیل نیروی انسانی به سرمایه انسانی نیستند. این مؤسسات، سرمایه اجتماعی را به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی نیز منتقل می‌کنند. مجلس می‌تواند با همکاری با دولت در طرح بازنگری متون درسی وزارت آموزش و پرورش، به تقویت مؤلفه‌های مربوط به رفتارهای نوع‌دوستانه در میان کودکان و نوجوانان کمک کند. تصویب قوانین مربوط به تقویت رفتارهای ایثارگرانه می‌تواند در قالب طرح «تقویت اخلاق اجتماعی»، دولت را ملزم به رعایت استانداردهای مد نظر مجلس در این زمینه کند.

- در آموزش عالی نیز قاعده پیش‌گفته صادق است. پزشکان در دانشگاه‌ها، تنها دانش پزشکی نمی‌آموزند، بلکه سوگند بقراط را نیز فرا می‌گیرند. مشابه اقدام مشترک مجلس و دولت در بازنگری متون درسی وزارت آموزش و پرورش، نمایندگان می‌توانند در بازنگری متون درسی دانشگاه‌ها نیز نقش ایفا کنند.

- علاوه بر افزودن آموزه‌های مربوط به رفتارهای ایثارگرانه در متون درسی دانشگاه‌ها، مجلس می‌تواند طرح «کمک به فعالیت‌های ایثارگرانه» را با هدف ارائه کمک‌های بلاعوض به انجمن‌هایی که در زمینه امور عام‌المنفعه فعالیت می‌کنند و معافیت‌های مالیاتی شرکت‌هایی که در زمینه‌های عام‌المنفعه نیز

فعالیت می‌کنند تنظیم و بر حسن اجرای آن نظارت کند.

- رسانه‌های نیز می‌توانند در جریان آموزش مجدد مردم (جامعه‌پذیری ثانویه) نقش مهمی داشته باشند. مجلس می‌تواند از طریق رایزنی با مسئولین رسانه ملی، در این زمینه نیز اقدامات مؤثری انجام دهد.

### ۳-۱. پیشنهادهایی برای افزایش مشارکت اجتماعی

- براساس یافته‌های تحقیق، حضور و مشارکت اجتماعی افراد در سازمان‌های رسمی (دولتی- غیردولتی)، با عملکرد اقتصادی بهتر در محیط‌های کسب‌وکار همراه است. در ایران، وزارت کشور متولی نظارت بر سازمان‌های غیردولتی (سمن) است، اما در دوره‌های گذشته، به این سازمان‌ها نه به چشم نهادهایی راهگشا که به کمک نیروهای متخصص خود که داوطلبانه و بدون چشمداشت مالی به فعالیت مشغولند و به خاطر نزدیکی به مردم و مشکلاتشان، می‌توانند گره‌گشا باشند و بار مسئولیت دولت را سبک‌تر کنند، بلکه به‌عنوان سازمان‌هایی بالقوه فاسد و دارای اهداف سیاسی نگریده شده است. قانونی منعطف و حمایتگر خواسته اصلی سمن‌هاست؛ قانونی که نگاهی در جهت یاری رساندن به این سازمان‌ها داشته باشد. نمایندگان مجلس می‌توانند با تصویب قانون «حمایت از سمن‌ها» و سپردن مجوز فعالیت این سازمان‌ها به نهادهای عمومی (شهرداری‌ها) و کاهش سطح نظارت دولتی بر این سازمان‌ها، در زمینه اصلاح نهادی نگرش مسئولین به این سازمان‌های کارآمد و مهم در حل مشکلات کشور برای افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه اقدامات مؤثری انجام دهد.

- تقویت و تشویق نهادها و سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در حوزه‌های مختلف غیرسیاسی، یکی از راهبردهایی است که در کشورهای شرق آسیا (به خصوص کره جنوبی، ژاپن و چین) با افزایش قابل توجه سرمایه اجتماعی در این کشورها، باعث بهبود محیط کسب‌وکار آنها شده است. ورود دولت به حوزه‌هایی که بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند امور آن حوزه‌ها را به شکلی مؤثر انجام دهند، تأثیری کاهنده در سرمایه اجتماعی دارد. مبنای همکاری و مشارکت، عادت است و چنانچه دولت در سازماندهی همه امور دخالت کند، امکان و توانایی همکاری‌های داوطلبانه و مؤثر افراد جامعه از دست خواهد رفت. بازنگری و اصلاح قوانینی که بستر دخالت بی‌رویه دولت در حوزه‌های مختلف جامعه را فراهم می‌آورد می‌تواند گامی برای تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود محیط کسب‌وکار شود. تقویت سیاست خصوصی‌سازی، ایجاد مشوق‌های لازم برای جلب مشارکت گروه‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف (به‌ویژه فعالیت‌های عام‌المنفعه)، تقویت حمایت از سازمان‌های غیردولتی و تسهیل روند ثبت قانونی این سازمان‌ها می‌تواند گامی مؤثر در این مسیر باشد.

- مطالعات مختلف نشان می‌دهد که هیچ ضمانتی وجود ندارد که سازمان‌های غیردولتی، واقعاً نماینده منافع عمومی باشند. کاملاً ممکن است که یک یا چند سازمان غیردولتی، نمونه‌ای از سیاست‌زدگی





افراطی باشد. در این صورت، تقویت این سازمان‌های غیردولتی می‌تواند یا سیاست‌های عمومی را دچار انحراف کند و یا آن را به بن‌بست بکشد. بنابراین، ضروری است تا در طرح مجلس برای حمایت از مشارکت گروه‌های غیردولتی در حوزه‌های مختلف جامعه، بندهایی قانونی برای ممانعت از سوءاستفاده‌های احتمالی برخی از این سازمان‌ها گنجانده شود.

- شبکه‌های اجتماعی یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی است. در حال حاضر، شبکه‌های اجتماعی به دو دسته شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی تقسیم می‌شوند. تقویت هر دو دسته شبکه‌های اجتماعی و تسهیل شرایط عضویت افراد در این شبکه در کنار ایجاد موانعی قانونی برای سوءاستفاده سیاسی از این شبکه‌ها، می‌تواند در دستور کار نمایندگان قرار گیرد. هر دو دسته شبکه‌های مجازی و غیرمجازی دارای فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی هستند. رویکرد مقابله صرف با حضور و مشارکت افراد در این شبکه‌ها، می‌تواند محیط کسب‌وکارها را از منافع ناشی از این شبکه‌ها محروم کند. از این‌رو، نمایندگان می‌توانند با آسیب‌شناسی از سیاست‌های گذشته و بررسی شیوه‌های کارآمدتر استفاده از مزایا در کنار جلوگیری از آسیب‌های این شبکه‌های اجتماعی، به تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر محیط کسب‌وکار کمک کنند.

- تعریف و تثبیت حقوق مالکیت و امنیت عمومی در جامعه نیز می‌تواند بر تمایل افراد به گردهمایی‌های اجتماعی و ورود به سرمایه‌گذاری‌های جمعی اقتصادی تأثیر بگذارد. امنیت عمومی جامعه عموماً به دو دسته امنیت عینی و احساس امنیت تقسیم می‌شود. احساس امنیت اشاره به نگرش شهروندان به وجود و نبود امنیت در جامعه دارد. احساس امنیت از جمله مقولاتی است که ارتباط مستقیمی به اعتماد مردم به نهادهای نظم‌دهنده جامعه مانند قوه قضائیه و پلیس دارد. نمایندگان می‌توانند با کمک دو قوه مجریه و قضائیه در زمینه تضمین حقوق مالکیت و ایجاد شرایط لازم برای برقراری امنیت و احساس امنیت عمومی در جامعه اقدام کنند. مجلس باید بیشتر در زمینه امنیت عمومی جامعه ورود پیدا کند؛ زیرا مردمی که اعتماد بالایی به نهادهای حافظ نظم نداشته باشند، نه می‌توانند انجمن تشکیل دهند، نه می‌توانند داوطلبانه دست به کاری بزنند و نه می‌توانند برای فعالیت‌های اقتصادی و حتی منافع مشترک اقدام کنند. نمایندگان مجلس می‌توانند تصویب آن دسته از لوایح قضایی که بر کارآمدسازی و چابک کردن دادگاه‌ها و از بین بردن اطاله دادرسی و فساد در دادگاه‌ها و در نهایت، افزایش کیفیت نظام حقوقی، تمرکز کرده است را در دستور کار فوری خود قرار دهند.

- شفافیت بیشتر برنامه‌ها و رویه‌های قوه مجریه از طریق تعامل با قوه مجریه و الزام قانونی این قوه برای گزارش‌دهی ۶ ماهه در مجلس می‌تواند گامی کوچک، اما مهم برای افزایش تمایل شهروندان به مشارکت در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. مجلس با توجه به این نکته که عدم شفافیت در برنامه‌ها و عملکردهای دولت باعث افزایش ریسک و ناطمینانی و در نتیجه کاهش تمایل به مشارکت

اجتماعی - اقتصادی فعالین این حوزه‌های می‌شود، می‌تواند سازوکارهای دقیقی برای شفافیت بخشی به اقدامات دستگاه‌های دولتی تعیین کند.

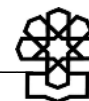
- گسترش فعالیت‌های مربوط به ورزش‌های جمعی در محلات و نیز نقش‌آفرینی اجتماعی بیشتر مساجد، می‌تواند بهانه‌ای برای گردهم آمدن افراد در محلات و آشنایی بیشتر افراد با یکدیگر شود. این امر، بخشی از زمینه‌های لازم برای همکاری بیشتر افراد در آینده در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌کند. شهروندانی که به همراه غریبه‌ها در گردهمایی‌های داوطلبانه و باز شرکت می‌کنند، اعتماد به یکدیگر و شیوه‌های کار جمعی و مشارکت اجتماعی را می‌آموزند.

- تغییر در کتب درسی مدارس برای تقویت مؤلفه‌های ذهنی کار گروهی و تغییر در شیوه تدریس و امتحان‌گیری در جهت کمک به ایجاد فضای لازم برای انجام کار جمعی و همین‌طور، رعایت حقوق شهروندی نیز می‌تواند اقدامی پایه‌ای و مهم در زمینه ترغیب مشارکت اجتماعی و تضمین حقوق شهروندی در بلندمدت شود. کار گروهی باید به‌صورتی تقویت شود که دانش‌آموزان، انجام کار گروهی را به نفع خود بیندارند. در حوزه آموزش عالی نیز ایجاد واحد درسی در دانشگاه‌ها (درس عمومی) برای ایجاد آگاهی‌های سیاسی و افزایش میل به مشارکت در سرنوشت خود در قالب طرح‌ریزی نظام جامع آموزش کشوری، می‌تواند اقدامی میان‌مدت برای ترغیب مشارکت اجتماعی باشد. مجلس به کمک وزارتخانه‌های مربوطه می‌تواند در این زمینه‌ها نیز اقدامات مؤثری انجام دهد.

#### ۴-۱. پیشنهادهایی برای افزایش مشارکت سیاسی

- طبق یافته‌های تحقیق، عملکرد دولت و نهادهای دولتی در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر، هر سیاست و رویه‌ای که اعتماد به دولت و نهادهای دولتی را تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند بر سطح سرمایه اجتماعی تأثیر بگذارد. افزایش مشارکت سیاسی مردم در تصمیمات و رویه‌های دولتی، یکی از مهمترین سیاست‌های اعتمادساز و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی در جامعه است. بازنگری در قوانینی که برای مشارکت سیاسی مردم موانعی ایجاد کرده‌اند و تدوین قوانینی که می‌تواند مقوم مشارکت سیاسی گروه‌های مختلف در تصمیم‌گیری‌ها باشد و گروه‌های سیاسی بیشتری را به درون نظام سیاسی وارد کند، می‌تواند گامی مهم برای تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه باشد.

- به‌دلیل چندقومیتی بودن جامعه ایران، سیاست‌های دولت در مناطقی که قومیت‌های ایرانی زندگی می‌کنند باید تابع شرایط خاصی باشد. طبق داده‌های تحقیق، احساس عدالت در مناطق قومی ایران پایین است. یکی از دلایل این امر، احتمال یا احساس توزیع نابرابر منابع و مزایای اقتصادی و سیاسی و وجود تبعیض و نابرابری در مناطق قومی کشور است. این امر به فرسایش سرمایه اجتماعی و به‌تبع آن، فقر و توسعه نیافتگی این مناطق منجر می‌شود. توجه به ارزش‌ها، مطالبات و حقوق اقوام می‌تواند راهبرد تمام‌قوای نظام باشد. مجلس می‌تواند با بازنگری در قوانین مربوط به این مناطق در جهت



تقویت توسعه متوازن و پایدار مناطق مختلف ایران، همکاری با دولت برای توزیع برابر فرصت‌های مدیریتی در این مناطق، توجه بیشتر به هویت زبانی و قومی اقوام ایرانی و تعریف آنها در ذیل هویت فراگیر ایرانی - اسلامی و کمک به اجرای اصل قانونی تدریس به زبان‌های محلی در کنار زبان ملی (فارسی) در مدارس این مناطق، به افزایش همبستگی ملی و جلب مشارکت اقوام ایرانی کمک کند.

- حضور منظم نمایندگان گروه‌ها و انجمن‌های مردمی در جلسات مجلس و تشکیل جلسات مشترک وزارتخانه‌ها (وزرا یا معاونین وزرا) با نمایندگان اصناف، شرکت‌های تجاری، انجمن‌های مدنی و... نیز می‌تواند باعث افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و افزایش مشارکت سیاسی شود.

## ۲. پیشنهادهای تقنینی

### جدول ۳۱. پیشنهادهای تقنینی

پیشنهاد تقنینی	متغیر
<p>- تدوین طرح «تحکیم خانواده» و اصلاح طرح «حمایت از خانواده» با تمرکز بر ایجاد سازوکارهای قانونی برای تقویت اعتماد در درون خانواده.</p> <p>- اضافه شدن بند «کمک هزینه خانواده» با هدف امکان دسترسی بیشتر خانواده‌های کم‌درآمد به این کمک هزینه‌ها.</p> <p>- لغو یا عدم تنظیم قوانینی که گروهی خاص را از امتیازات ویژه برخوردار می‌کند.</p> <p>- تدوین قوانین تضمین‌کننده حقوق مالکیت خصوصی و حقوق مالکیت فکری (حق اختراع و حق تکثیر)، بررسی میزان اجرایی شدن این قانون توسط نهادهای دولتی و قضایی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای منظم در صحن علنی.</p> <p>- افزایش تعداد و دامنه تحقیق و تفحص مجلس از نهادهایی که با کاهش اعتماد عمومی مواجه شده‌اند. این اقدام مجلس می‌تواند به روند اعتمادسازی این نهادها کمک کند.</p>	اعتماد
<p>- بازنگری در متون درسی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی) با هدف تقویت انگاره‌های مربوط به رفتارهای نوع‌دوستانه و رعایت حقوق شهروندی.</p> <p>- طرح «تقویت اخلاق اجتماعی» با هدف تقویت رفتارهای نوع‌دوستانه.</p> <p>- طرح «کمک به فعالیت‌های نوع‌دوستانه» با هدف ارائه کمک‌های بلاعوض به انجمن‌های فعال در امور عام‌المنفعه و معافیت‌های مالیاتی شرکت‌هایی که در زمینه‌های عام‌المنفعه نیز فعالیت می‌کنند.</p> <p>- الزام دولت به اینکه درصدی از کمک‌های بلاعوض افراد یا شرکت‌ها به سازمان‌های غیردولتی عام‌المنفعه فعال، مشمول کسورات مالیات بر درآمد شود.</p>	رفتارهای نوع‌دوستانه
<p>- بازنگری در قانون «سازمان‌های غیردولتی» و ارائه طرح «حمایت از سمن‌ها» با هدف تسهیل در فعالیت سازمان‌های مدنی و غیردولتی و دادن مسئولیت قانونی به شهرداری‌ها در زمینه اعطای مجوز.</p> <p>- افزایش حوزه فعالیت قانونی سمن‌ها به گونه‌ای که جامعیت بیشتری داشته باشد. این حیطه‌ها بدین شرح پیشنهاد می‌شود: «آموزش، توسعه اجتماعی، عمران و آبادانی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، حفظ آثار فرهنگی و تاریخی، ورزشی، نیکوکاری و امور خیریه، کودکان، بشردوستانه، رفاه، امدادی، حمایتی، توانبخشی، مهارت‌های زندگی، کاهش فقر، امور زنان، توانمندسازی، امور جوانان، خانواده، بیماران، بهداشت و درمان، ارتقای سلامت، محیط زیست، منابع طبیعی، گردشگری، علمی، تحقیق و توسعه، حقوقی، اوقات فراغت و نظایر آن که در اساسنامه سازمان آمده است».</p> <p>- تعریف، تثبیت و تضمین حقوق مالکیت.</p>	مشارکت اجتماعی

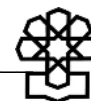
متغیر	پیشنهاد تقنینی
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تدوین طرح‌های مؤثر در زمینه افزایش امنیت عمومی (با تأکید بر افزایش «احساس امنیت») و بازنگری در طرح امنیت اجتماعی و امنیت اخلاقی.</li> <li>- تقویت ورزش محلات با هدف ایجاد انگیزه برای گردهمایی‌های افراد در محلات.</li> <li>- تغییر نظام آموزشی از حالت فردمحور به گروه محور و تعیین امتیاز «کارآیی گروهی» در نظام آموزش و پرورش و طرح‌ریزی نظام جامع آموزش کشوری با هدف تقویت مؤلفه‌های ذهنی کار گروهی.</li> </ul>
مشارکت سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تدوین قوانینی که می‌تواند مقوم مشارکت سیاسی و ورود گروه‌های سیاسی بیشتر به درون نظام سیاسی شود.</li> <li>- رفع توزیع نابرابر منابع و مزایای اقتصادی و سیاسی و تبعیض و نابرابری در مناطق قومی کشور و الزام قانونی قوه مجریه به توجه به آمایش سرزمین.</li> <li>- الزام دولت به افزایش حضور نمایندگان اقلیت‌های قومی و مذهبی در مناصب مدیریتی سطوح میانی و عالی در هر منطقه.</li> <li>- حضور منظم نمایندگان گروه‌ها و انجمن‌های مردمی در جلسات مجلس و تشکیل جلسات مشترک وزارتخانه‌ها (وزرا یا معاونین وزرا) با نمایندگان اصناف، شرکت‌های تجاری، انجمن‌های مدنی.</li> </ul>

آخرین نکته اینکه، پیشنهاد می‌شود به دلیل اهمیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی برای رشد و توسعه اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار، نمایندگان مجلس به دو شیوه به ارتقای جایگاه سرمایه اجتماعی در روند قانونگذاری کمک کنند:

۱. الزام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یا یک مرکز پژوهشی حکومتی خارج از دولت، برای بررسی دقیق روند تغییر شاخص‌های سرمایه اجتماعی به صورت پیمایش‌های دوره‌ای با کمک مرکز آمار ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تهیه گزارش‌های مقایسه‌ای برای نمایندگان مجلس و سایر مقامات تصمیم‌گیرنده؛ زیرا با در دست داشتن اطلاعات وسیع و دقیق در مورد سرمایه اجتماعی، می‌توان به بهبود عملکرد برنامه‌های قوای سه‌گانه و ارزیابی عملکرد این برنامه‌ها در زمینه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، بازار کار، ایجاد اتحاد میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف، برنامه‌های مربوط به جوانان، جلوگیری از جرم و جنایت، بهداشت جسمی و ذهنی و مشارکت مدنی کمک چشمگیری کرد.

۲. الزام کمیسیون‌های مختلف مجلس و دولت به تهیه پیوست «سرمایه اجتماعی» برای طرح‌ها و لوایح مرتبط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی.

سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار همواره با مخاطره و نگرانی همراه بوده است. در جوامعی که به لحاظ سرمایه اجتماعی غنی هستند و در زمینه اعتمادسازی میان کارگزاران اقتصادی با یکدیگر و با دولت، قوت نهادهای مدنی و نهادینه شدن هنجارهای اخلاقی موفق بوده‌اند، بخش قابل توجهی از مخاطره و نگرانی ذاتی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار به وسیله همین سرمایه اجتماعی، مدیریت و کنترل می‌شود. بدین معنا، مجموعه نهادهای دولتی باید با اتخاذ سیاست‌ها و تدوین و اجرای قوانین خاصی، سرمایه

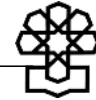


اجتماعی موجود در جامعه را حفظ کرده و در مسیر ارتقای آن اقدام کنند تا محیط کسب‌وکار از ریسک‌های مرتبط در امان بماند.

### منابع و مأخذ

۱. آینده‌بان، آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۳: <http://www.ayandeban.ir>
۲. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، گزارش ملی، موج اول ۱۳۷۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، تهران، انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۰.
۳. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، گزارش ملی، موج دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، تهران، انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۲.
۴. ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران)، کندوکاوهایی در باورها و نگرش‌های جامعه ایرانی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵.
۵. بررسی ایدئال‌های جوانان درباره مسائل فرهنگی (ارزش‌ها)، واحد سنجش افکار عمومی مرکز تحقیقات و سنجش برنامه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ش ۴۸۸، ۱۳۷۷.
۶. بررسی تمایل شهروندان به مشارکت در انتخابات شوراها، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، بهمن‌ماه ۱۳۸۱.
۷. بررسی رفتارهای فرهنگی ایرانیان (یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در ۲۸ شهر مرکز استان)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، تهران، انتشارات طرح‌های ملی، تابستان ۱۳۸۱.
۸. بشیریه، حسین. جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۹. پاتنام، رابرت. جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، در کیان تاج‌بخش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۱۰. پاتنام، رابرت. دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام، ۱۳۸۰.
۱۱. پاک‌سرشت، سلیمان. سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت، چالش‌ها و راهبردها، در دست انتشار.
۱۲. تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، رضایت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، تهران، انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۲.
۱۳. خاندوزی، احسان. بازشناسی یک حوزه نوظهور و نسبت آن با اقتصاد: پیوند متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، راهبرد یاس، سال اول، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴.
۱۴. رنای، محسن و رزیتا، مؤیدفر. چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد (سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران)، تهران، طرح نو، ۱۳۹۰.
۱۵. سبحانی‌نژاد، مهدی و جواد، فعلی و محترم، قبادی. بررسی میزان اعتماد اجتماعی ایرانیان نسبت به صاحبان مشاغل و اصناف کشور، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۱۶. شیانی، ملیحه و میرطاهر، موسوی. تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در شهر کرمان، رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۱، تابستان ۱۳۹۰.
۱۷. شیانی، ملیحه و میرطاهر، موسوی و سعید، مدنی قهقرخی. سرمایه اجتماعی جوانان در ایران، مجله

- جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۱۸. عطار، سعید. درآمدی بر بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران)، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۹۱.
۱۹. عطار، سعید. سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۲۰. علی‌اکبری، حسن و دیگران. سرمایه اجتماعی و توسعه، راهبرد یاس، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۷.
۲۱. فاضل، رضا و الهام میری‌آشتیانی. آسیب‌های اجتماعی ایران؛ نگاهی به آینده، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
۲۲. فنتون، ناتالی. دیدگاه‌های انتقادی در مورد اعتماد و جامعه مدنی در تونکیس، فران و دیگران، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
۲۳. فوکویاما، فرانسیس. پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.
۲۴. قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های شناخته شده و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، تهران، دبیرخانه کمیسیون ماده (۱۰) قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها، ۱۳۸۵.
۲۵. قهاری، حسین و محسن، کلانتری و سمیه، قزلباش. وضعیت سرمایه اجتماعی در استان زنجان، رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، ش ۵۱، زمستان ۱۳۹۲.
۲۶. کریمی، سلیمان. سنجش امیدواری به آینده سیاسی، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، ۱۳۸۳.
۲۷. کلمن، جیمز. بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
۲۸. کلمن، جیمز. نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، در کیان تاج بخش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دمکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۲۹. وضعیت ایران در گزارش «انجام کسب‌وکار» بانک جهانی (۲۰۱۳)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
۳۰. وضعیت ایران در گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی (۲۰۱۴)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
۳۱. هویت قومی و باورهای اجتماعی، تهران، انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۳.
۳۲. یارانه دولتی به احزاب سیاسی و نامزدهای انتخاباتی، گزارش پژوهشی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، بی تا.
33. Arrow, Kenneth J. *The Limits of Organization*, New York: Norton, 1974.
34. Bisin, Alberto and Danilo Guaitoli, "Social Capital, Modernization and Growth", UFAE/IAE Working Papers, No. 545. Vol. 02, 2002.
35. Carroll, Deirdre. "Social Capital and Job Creation in Rural Europe", European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions, 2007.
36. Child, J. and G. Mollering, "Contextual Confidence and Active Trust Development in the Chinese Business Environment", *Organization Science*, 14(1), 2003.
37. Das, T.K. and B-S. Teng, "Trust, Control and Risk in Strategic Alliances: an Integrated Framework", *Organization Studies*, 22(2), 2001.
38. Deth, W. Van, "Measuring Social Capital" in Castiglione, Dario and Jan W.



- Van Deth (eds.), *The Handbook of Social Capital*, New York: Oxford University Press, 2008.
39. Dyer, J.H. and W. Chu. "The role of Trustworthiness in Reducing Transaction Costs and Improving Performance: Empirical Evidence from the United States, Japan and Korea", *Organization Science*, 14(1), 2003.
  40. Edwards, Bob and M.W. Foley. "Social Capital and the Political Economy of Our Discontent", *American Behavioral Scientist*, Vol. 40, No. 5, 1997.
  41. Evans, Peter B. "Introduction: Development Strategies Across the Public-private Divide", in Peter Evans (ed.), *State-Society Synergy: Government and Social Capital in Development*, University of California Intl., 1997.
  42. Fafchamps, Marcel and Bart Minten. "Returns to Social Network Capital Among Traders", *Oxford Economic Papers*, Vol. 54, 2002.
  43. Fruin, W. Mark, *The Japanese Enterprise System*, New York, NY: Oxford University Press, 1992.
  44. Granovetter, Mark S., *Getting a Job: A Study of Contacts and Careers*, Chicago: University of Chicago Press, 1995.
  45. Guseva, A. and A. Rona-Tas. "Uncertainty, Risk and Trust: Russian and American Credit Card Markets Compared", *American Sociological Review* 66(5), 2001.
  46. Hamilton, Gary G. "Patterns of Asian Network Capitalism: The Cases of Taiwan and South Korea", in Fruin, W. Mark (ed.), *Networks, Markets and the Pacific Rim*, New York: Oxford University Press, 1998.
  47. Hargadon, Andrew. *How Breakthroughs Happen: The Surprising Truth About How Companies Innovate*, Harvard Business School Press, 2003.
  48. Herreros, Francisco. "The state", in Svendsen, Gert Tinggaard and Gunnar Lind Haase Svendsen (eds.), *Handbook of Social Capital: The Troika of Sociology, Political Science and Economics* (Cheltenham: Edward Elgar, 2009).
  49. Isham, Janathan, "Can investment in Social Capital Improve Local Development and Environmental Outcomes? A Cost-benefit Framework to Assess the Policy Options", in Isham, Janathan, Thomas Kelly and Sunder Ramaswamy (eds.), *Social Capital and Economic Development: Well-being on Development Countries*, Cheltenham, UK: Edward Elgar, 2002.
  50. Jain, T.R., Mukesh Trehan and Ranjun Trehan, *Business Environment*, Delhi: V.K. Enterprises, 2010.
  51. Nahapiet, J. & Ghoshal, S., "Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage", *The Academy of Management Review*, 23(2), 1998.
  52. Putnam, Robert D., *Bowling Alone: The Collapses and Revival of American Community*, New York: Simon and Schuster, 2000.
  53. Reed, M.I., "Organization, Trust and Control: A Realist Analysis", *Organization Studies*, 22(2), 2001.
  54. Swain, Nigel, "Social Capital and its Uses", *European Journal of Sociology*, Vol. 44, Issue 02, 2003.
  55. Sztompka, P., *Trust: A Sociological Theory*, Cambridge: Cambridge University Press, 1999.
  56. Uslaner, E.M., "Trust and civic engagement in East and West", in Badescu, G. and Uslaner, E.M. (eds.), *Social Capital and the Transition to Democracy*,

- London and New York.
57. Warner, Mildred, "Building Social Capital: the Role of Local Government", *Journal of Socio-Economics*, Vol. 30, 2001.
  58. Warren, Mark E., "Social Capital and Corruption", *Democracy and Society*, Georgetown University, Spring 2004.
  59. Wolleb, Guglielmo, "Introduction: Social Capital and Economic Development" in: Castiglione, Dario and Jan W. Van Deth (eds.), *The Handbook of Social Capital*, New York: Oxford University Press, 2008.
  60. Woolcock, Michael & Narayan, Deepa, "Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy", *World Bank Research Observer*, Oxford University Press, Vol. 15, No. 2, August, 2000.





مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۴۰۳۷

عنوان گزارش: بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب و کار ایران (با تأکید بر نقش قوه مقننه)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب و کار)

تهیه و تدوین: سعید عطار

ناظران علمی: جعفر خیرخواهان، سیدامیر سیاح، محمدرضا شمس (دفتر مطالعات سیاسی)،  
فرهاد نصرتی‌نژاد (دفتر مطالعات اجتماعی)

متقاضی: محمدحسین حسین‌زاده‌بحرینی (نماینده مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: احمد مرکزالمیری

واژه‌های کلیدی:

۱. سرمایه اجتماعی
۲. محیط کسب و کار
۳. قوه مقننه
۴. قانونگذاری
۵. ایران



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۹/۱۸